



فروردین ۲۵۳۶
در بهای گشوده بر جهان

پیام

دنیای
یونسکو
افق ۱۹۸۲

پیکان جوانان ۵۶

ペイカン・ジャワナン

www.javanan56.com

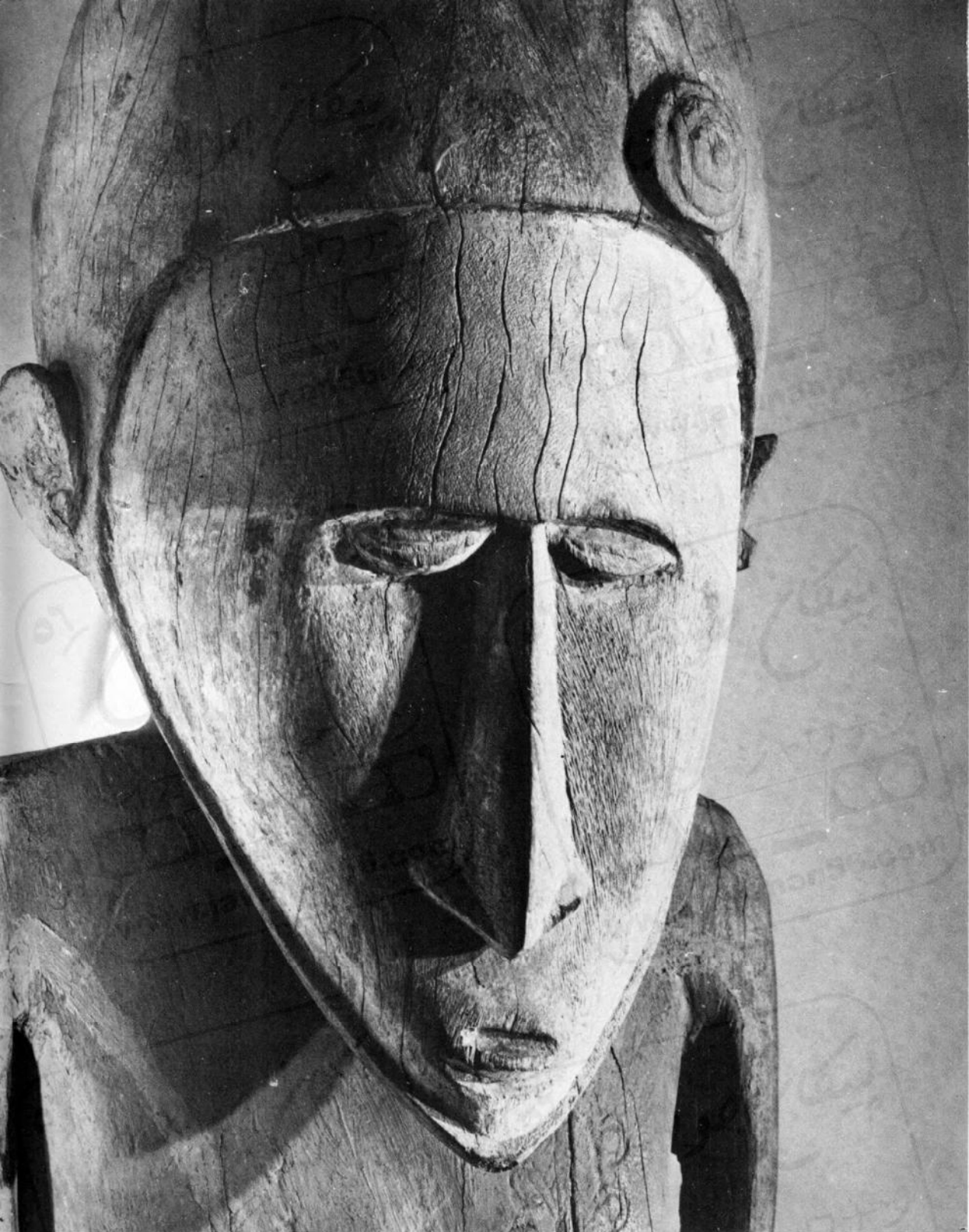


Photo © Musée de l'Homme, Paris

محبوبه آبی رنگ

این سر دکل که سه متر طول دارد و از چوب تراشیده و بارتنگ آبی پوشیده شده است، نمونه کاملاً گویایی از هنر سنتی هیرید جدید در اقیانوسیه است. مجسمه‌های غول‌آسا - چهره‌هایی که بر راس دکله نقش شده‌اند و یا مجسمه‌هایی که بطرز غیرعادی کش آمده در زمانهای پیش زینت‌بخش روستاهای ملانزی بودند و باین ترتیب، دوام اسطوره خدایان، چهره‌های نیاکان، شعرای سراسر رؤیا، وارد روزمرگی زندگی می‌شد.

گنجینه‌های
دنیای
هنر
(هیرید جدید)

فارسی	عربی	آلمانی
فرانسه	ژاپنی	عبری
انگلیسی	ایتالیایی	هندی
اسپانیایی	هندی	پرتغالی
روسی	تایل	ترکی
		اردو

ماهنامه یونسکو

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد
دفتر مرکزی مجله: یونسکو، میدان فتنوا، پاریس-۷

نشانی دفتر مجله «پیام»: تهران، خیابان ایرانشهر
شمالی شماره ۳۰۰، صندوق پستی شماره ۱۵۳۳،
تلفن ۸۲۴۰۴۳

نقل مطالب و تصاویر به شرط ذکر نام نویسنده و
مجله آزاد است، مگر آنکه مطلبی یا عکسی با
عبارت «نقل ممنوع» از این قاعده مستثنی شده باشد.
از نشریات نقل کننده خواهشمند است از شماره
حاوی مطلب یا مطالب نقل شده سه نسخه به دفتر
«پیام» در تهران ارسال دارند.

مدیر و سردبیر:
ساندی کفلر
معاونان سردبیر:
رنه کالوز
الگار دل

مدیران مسئول ماهنامه در زبانهای مختلف:

فارسی: فریدون اردلان (تهران)

فرانسه: ژان آلبرس (پاریس)

انگلیسی: رونالد فتن (پاریس)

اسپانیایی: فرانسیسکو فرانزسانتوس (پاریس)

روسی: گئورگی استمنکو (پاریس)

آلمانی: ورنر مر کلی (برن)

عربی: عبدالمنعم الصاوی (قاهره)

ژاپنی: کازانو آکانو (توکیو)

ایتالیایی: ماریا ریمیدی (رم)

هندی: سید اسماعیل (دهلی)

تایل: ن. د. ساندرا وادیولو (مدرس)

عبری: الکساندر پروایدو (بیت المقدس)

هلندی: پل مورن (آن-ور)

پرتغالی: بندیکتوسیلوا (ریودوژانیرو)

ترکی: مفراتلجی (استانبول)

معاونان سردبیر:

متن فرانسه: فیلیپ اووانس

متن انگلیسی: روی مالکن

متن اسپانیایی: خورخه انریکو آدام

متن روسی: آن ماری مایار

متن آلمانی: کریستین بوشه

میزانیا: روبرو ژاکمن

تنظیم و امور چاپ: ایرج پارسی

«پیام» با موافقت یونسکو، زیر نظر کمیسیون ملی
یونسکو در ایران - تهران منتشر می‌شود.

چاپ: شرکت افست «مهامی خاص» چاپخانه
بیت و پنچ شهرپور

اشتراک سالانه
۲۵۰ ریال
۲۵ ریال
تک شماره

برنامه میان مدت (۱۹۷۷-۱۹۸۲)، سندی
بی سابقه در تاریخ یونسکو

۶ اندیشه‌های اساسی برای عمل

مقدمه برنامه میان مدت یونسکو

نوشته آمادو - مهتار رامبو

مدیرکل یونسکو

۱۴ حق انسان بودن

۱۶ ساختن صلح

۱۹ علم و فن در خدمت انسان و جامعه

۲۱ انسان محور توسعه

۲۲ آموزش، یک نیاز جهانی

۲۶ فرصت‌های برابر برای همه

۲۸ انسان و محیط او

۳۰ بسوی ایجاد یک ارتباط دو جانبه

۳۱ کتاب برای همه

۳۳ در چهار گوشه جهان

۳۴ ما و خوانندگان

۲ گنجینه‌های دنیای هنر

محبوبه آبی رنگ (هبرید جدید)

روی جلد

این شماره مجله پیام یونسکو، سراسر، به برنامه
میان مدت (۱۹۷۷-۱۹۸۲) یونسکو اختصاص دارد.
این نخستین باری است که چنین مدرکی بوسیله
یونسکو تهیه شده است. این مدرک مصوب
کنفرانس عمومی یونسکو است که جلساتی از
تاریخ ۲۶ اکتبر تا ۳ نوامبر ۱۹۷۶ در تالارهای
مرکز کنفرانس کنیا در نایروبی (کنیا)، بنای
مرفعی که در عکس دیده می‌شود، انعقاد یافت.
همچنین این نخستین بار است که پس از بیست
سال، کنفرانس عمومی خارج از مقر سازمان
در پاریس، برگزار شد.



Photo: Richard Allen, Paris

افق سال ۱۹۸۲

برنامه میان مدت (۱۹۷۷-۱۹۸۲)
سندی بی سابقه در تاریخ یونسکو

بنام انسان، که «مرکز واقعی توسعه» است، سخن می‌گوید. از مجموع این کار جمعی، ارزش امید و جستجوی «انسانیت و خلاقیت بیشتر» مشهود است. همانند آواز عمیقی از هستی، که تاریخ، آغاز آنرا بیاد نمی‌آورد، ولی همواره از سرگرفته شده است.

هدف این کار جلب موافقت همگان بوده و در این راه موفق هم شد. در واقع، کنفرانس عمومی به‌اتفاق آرام، هدفهای این برنامه میان مدت و رهنمودهای اصلی آن را تصویب کرد. ولی این برنامه، نتیجه نوعی مصالحه نیست. اگر این برنامه در یک دید کلی، چشم‌اندازهای متعددی را بهم پیوند داده است، بعلت پیامی است که به‌مراه دارد و آن اینکه جهان مجموعه‌یی است که اجزای مختلف آن بیکدیگر وابسته‌اند. ولی این هبستگی، تنها با رعایت تفاوتها و هویتهای فرهنگی هر یک و احترام به‌انتخاب آزادانه راههای رشد و توسعه، می‌تواند معنایی داشته باشد. وحدت در عین گوناگونی.

این شماره مجله پیام یونسکو، فقط شامل گزیده‌یی از متن برنامه میان‌مدت است که گاه بطور کامل و گاه بصورت خلاصه آمده است. باید دانست که این چکیده‌ها بدین سبب برگزیده شده‌اند که نمودار خطوط اصلی برنامه‌اند و در متن اصلی خود، جزء مجموعه کاملی از تحلیلها و یادآوریهای تاریخی بشمار می‌روند که اساس پیشنهادهای مشخص و ملموسی قرار گرفته، واز اقدامی خبر می‌دهد که بما امکان خواهد داد در میعادیکه با آینده داریم، حاضر باشیم.

یونسکو که به سی‌امین سال زندگی خود قدم گذاشته‌است، پس از رسیدگی و بررسی، دیدی از وضع جهان و تصویری از آینده را عرضه می‌دارد. پرده‌ودامنه «برنامه میان مدت» یونسکو را که ما امروز قسمتهای اساسی آن را به‌خوانندگان عرضه می‌داریم، می‌توان بدین‌گونه خلاصه کرد.

پیش‌بینی برنامه‌یی برای شش سال آینده، در زمینه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و اطلاعات، به‌نحوی که پاسخگوی چیزی باشد که جامعه بین‌المللی حاضر در یونسکو می‌تواند و باید از تلاش و فعالیت مشترک خود انتظار داشته باشد، مستلزم یک ترازنامه و یک بررسی آینده‌نگرانه است.

مطالعه خط سیرهای مورد نظری که می‌بایست از تحلیل جدی وضع امروز ما را به «افق ۱۹۸۲» یعنی به دوره‌یی برساند که خواستهای مردان امروز در آن منعکس است، و نیز مرحله‌بندی اقدام بین‌المللی در طول راهی که هر جامعه یا هر گروه انسانی باید بشیوه خویش آنرا پیماید، معنی و محتوای این برنامه است.

ازین پس، نظرهای مشورتی کشورهای عضو و مذاکره‌های شورای اجرائی و کنفرانس عمومی که مرجع عالی سازمان است، باید در رابطه با این افق صورت گیرد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که درمقیاس جهانی، طرح‌کلی مجموعه رهنمودهایی بدست می‌آید، که می‌تواند راهنما یا مرجعی برای سیاستهای ملی و همچنین همکاریهای منطقه‌یی و بین‌المللی باشد.

درست است که اینکار جمعی است، ولی بی‌هویت نیست. در ابتدای ۱۹۷۶ مدیر کل و همکارانش متنی را تهیه کردند که می‌بایست در اختیار کشورهای عضو قرار گیرد و پوسیله کنفرانس عمومی بررسی شود. برای تهیه این متن، آنان از حاصل دستاوردهای اجلاسهای متعدد کنفرانس عمومی و شورای اجرائی بهره گرفتند و کنفرانس عمومی و شورای اجرائی خود، پس از مشاوره‌های مفصل با دولت‌های عضو، محتوا و روش برنامه‌ریزی میان‌مدت را حل‌جی کرده بودند.

پس مسئله عبارت از یک کار جمعی است که توسط کشورهای عضو و نیز مدیر کل سازمان با همکاری اعضا دبیرخانه‌اش انجام شده است. اما در هرمتن، چه جنبه کلی‌داشته باشد و چه مربوط بیک مسئله خاص شود، همواره یک نفر

انسانی که به‌پیش می‌رود، با سایه‌اش که بروی زمین افتاده و جلوتر از او حرکت می‌کند، گویی از وراء مسائل روزمره بسوی افقهای نو گام برمی‌دارد. این مجسمه فلزی اثر هنرمند مشهور سوئیسی، «آلبرتو جیاکوموتی» (۱۹۰۱-۱۹۶۶) است. مجسمه دیگری با همین مضمون زینت‌بخش یکی از حیاطهای مقر یونسکو در پاریس است.



اندیشه‌های اساسی برای عمل

مقدمه بر نامه میان مدت یونسکو

آمادو امپتار امبو

مدیر کل یونسکو

مجله پیام یونسکو در اینجا قسمتهای مهمی از مقدمه برنامه میان مدت (۱۹۸۲-۱۹۷۷) یونسکو را که کنفرانس عمومی طی آخرین اجلاس خود در نایروبی بآن رأی داد، عرضه می‌کند. بعلاوه این شماره، در صفحات بعد گزیده‌یی از میان پرمعناترین قسمتهای این سند قطور ارائه شده است، سندی که در تاریخ سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، اهمیتی بسزا دارد.

تظاهر کشاکشها و صف‌آرایی‌های موجود در مقیاس جهانی است، خطرات حادی برای صلح جهان در بر دارد.

صلح فقط در عین عدالت می‌تواند وجود داشته باشد، یعنی در عین احترام نهادن به حقوق بشر و اراده آزاد مردمان.

صلح فقط فقدان جنگ نیست؛ اگر مردم از حقوق و آزادیشان محروم باشند، اگر ملت‌هایی توسط ملت‌های دیگر مورد ستم قرار گیرند، اگر مردم دچار فقر و یا گرفتار بدی تغذیه و بیماری باشند، صلح پایداری وجود نخواهد داشت. اگر خواست ایجاد جهان عادلانه‌یی در بین نباشد، صلحی نیز وجود نخواهد داشت.

مسابقه تسلیحاتی که آشکارترین نشانه کشاکشهای موجود در دنیاست، منابع عظیمی را بخود جذب می‌کند که اگر صرف هدف‌های دیگری می‌شد، می‌توانست بهبود قابل ملاحظه‌یی در شرایط زندگی مردمان فقیر ایجاد کند و شاید می‌توانست تأثیری قاطع در توسعه جوامعی داشته باشد که این ملت‌ها به آن تعلق دارند.

همچنین درگیری‌های کلی، که آینده بشریت را بمخاطره می‌اندازند، نشانه‌یی از وحدت جهانند، مانند مسائل ناشی از رشد جمعیت، خطر پایان یافتن منابع طبیعی بر اثر غارت میراث بشری و انحطاط مداوم محیطی که قالب زندگی مشترک و بی‌جان‌ترین تمام انسان‌هاست. خطرانی که انسان‌ها را بر روی زمین تهدید می‌کند مربوط به همه و به یکایک افراد است.

بالاخره، مفهوم توسعه، که جامعه

چشم‌انداز جهانی با قدرت تمام، در زمانی مطرح شده است که چه برای خیر و چه برای عمل، ابعاد کره زمین روز بروز کوچک‌تر می‌شود. مشکلات جهانی را نمی‌توان بطور جداگانه بررسی کرد، این مسائل عناصری را تشکیل می‌دهند که وابستگی نزدیک به یکدیگر دارند.

اما، در عین حال، حداکثر تنوع و گوناگونی نیز از مشخصات جوامع معاصر است، چه این گوناگونی تحمیل شده باشد، مثل فاصله روزافزون میان توسعه و سطح زندگی جوامع، و چه خودخواسته، مثل گوناگونی ناشی از خواست افراد و گروه‌های مختلف، در تحکیم هویت و اصالت خود.

گره مشکلاتی که دنیای معاصر با آن درگیر است شاید در همین جابا باشد، یعنی در این کشاکش دائم میان یک وحدت، وحدتی که با حذف اختلاف‌ها و در عین حال محترم شمردن تفاوت‌ها گرایش به تحقق دارد، و تنوعی که از ورای نابرابری‌ها و درگیری‌ها، از راه برنامه واحد بشری تحکیم خواهد شد.

مصادق این امر را بمحض برخورد با مسئله حقوق بشر باز می‌یابیم، مسئله‌یی که از هر جهت اساسی است و تجزیه‌ناپذیری و عام بودن واقعی آن دیگر محل گفتگو نیست. در تجاوز به این حقوق، حتی بطور نسبی و موضعی، جوهر و اصل آن است که مورد تردید و انکار قرار می‌گیرد.

صلح نیز همین خصلت تجزیه‌ناپذیری را دارد. هر نزاع خصوصی، در حدی که خود

«اگر تمدن جهانی آینده بجای تکیه بر شکوفایی فرهنگهای متنوع و اصیل، بر یکدختی و ابتذال تکیه داشته باشد، مهمل و بی‌معنی خواهد بود». در اینجا دخترکی از هزاراجات، منطقه مرتفع و کوهستانی مرکز افغانستان دیده می‌شود.

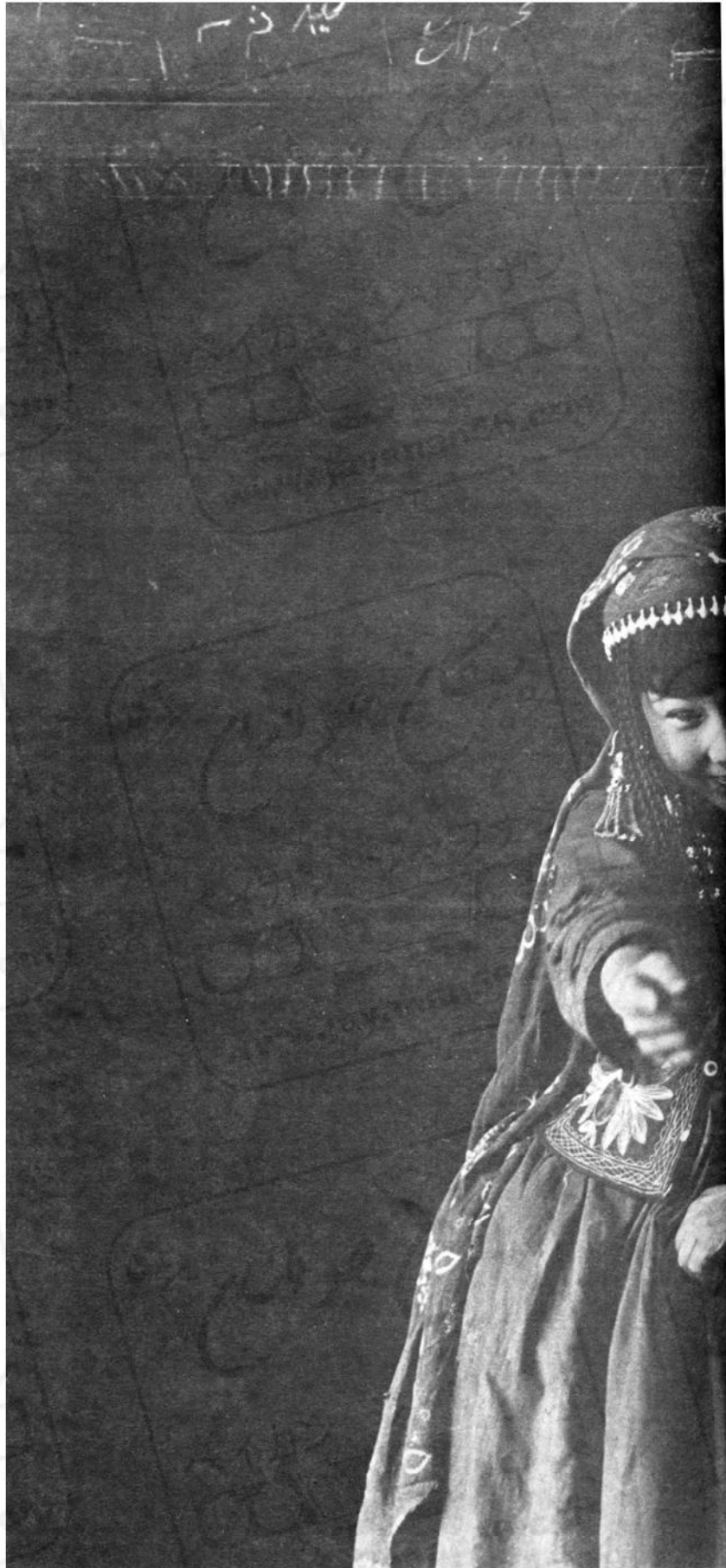
بین‌المللی از پذیرش آن ناگزیر است، عبارت است از روندی کلی و چندبعدی، که در عین حال عوامل اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به یک جامعه را در نظر می‌گیرد، اما نه جامعه‌یی جدا از جوامع دیگر، بلکه به عنوان عنصری از شبکه درهم پیچیده روابط و نیروهایی که وضع جهان را مشخص می‌کنند. در مقابل این روابط که مستلزم دیدی واحد و کلی از مشکلات جهان است، تضادهای برخوردی، کشاکشها و اختلافهای فراوان و عمیقی وجود دارند که از مشخصات وضع کنونی‌اند. زیرا خطر رویارویی همچنان باقی است.

تجاوز بحقوق بشر در ارتباط با پاره‌یی برداشتها از قدرت و اشکال مختلف نژادپرستی یا عدم تحمل، پوچی اعمال غیر انسانی و مشکلی را که فکر وحدت و همبستگی بشر با آن روبه‌روست، نشان می‌دهد.

در دنیای کنونی نابرابریها وسعتی بی‌سابقه پیدا کرده است و این خود ناشی از همین رشد اقتصادی است که به نفع برخی جوامع و به زیان گروههای دیگری که جمعیتی بسیار زیاد و کاملاً محروم دارند، تمام می‌شود.

این امر ممکن است مربوط به اختلاف کلی درآمدها میان کشورهای پیشرفته و روبه توسعه، باشد که خود ناشی از عوامل تاریخی و نیز شرایط مختلف تولید و مسائل مادی و نابرابری غالب مبادلات تجارته بین‌المللی است. معلوم شده است که در گذشته، تا هنگامی که همه جوامع در مرحله قبل از

Photo Laurence Brun, Paris



صنعتی شدن قرار داشتند، نابرابری بین جوامع نسبتاً خفیف بود و نسبت درآمد متوسط بین غنی‌ترین و فقیرترین جوامع از حدود ۳ به ۱ تجاوز نمی‌کرد.

حال آنکه در زمان ما، اختلاف درآمد متوسط سرانه میان پیشرفته‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین کشورها به میزان ۱ به ۳۰ بالغ می‌شود و در موارد افراطی به ۱ به ۸۰ یا ۹۰ نیز می‌رسد. همچنین درون هر جامعه نیز، نابرابری توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد.

لازم به یادآوری است که به این نابرابری‌های مادی، نابرابری‌های بهمان‌وخامت در زمینه مالکیت و استفاده از وسائل فرهنگی نیز اضافه می‌شود. نفس این امر که شمار بی‌سوادان هنوز در حد ۸۰۰ میلیون نفر است و در سال‌های اخیر این تعداد نه تنها کاهش نیافته، بلکه با در نظر گرفتن رشد جمعیت اندکی نیز بالا رفته است، خود چشم‌گیرترین نابرابری‌های است که هنوز بجا مانده است. نابرابری مرد و زن در زمینه آموزش نیز بسیار رائج است.

تحلیل توسعه علمی و فنی نشان می‌دهد که توانایی بانثوه تحقیق، چه به لحاظ اهمیت مخارج و چه از نظر تعداد پژوهشگران، در کشورهای صنعتی متمرکز است.

کشورهای روبه‌توسعه در مجموع، بخش ناچیزی از این توانایی تحقیق، یعنی در حدود ۵ تا ۱۰ درصد آنرا در اختیار دارند و حال آنکه اکثریت مردم جهان در این کشورها زندگی می‌کنند.

از میان بردن نابرابری‌ها، برگرداندن گرایش خطرناک به افزایش اختلاف میان کشورهای پیشرفته و روبه‌توسعه که بویژه ناشی از بحران اقتصادی جهان و انحطاط روزافزون شرائط مبادله است، ضرورتی حیاتی دارد.

مسئله ادغام همه جوامع در نظام واحدی که تمامی تفاوتها و تمایزها را از میان ببرد، مطرح نیست. زیرا، در برابر اختلافهایی که باید از میان برد، تفاوتهایی وجود دارد که مطلوب و مورد نظر است.

در گوناگون‌ترین شرائط، افراد و گروه‌ها همواره می‌خواهند آنچه هستند باقی بمانند و از یک نواختشدنی که سبب از میان رفتن خصائص فرهنگی، سبک زندگی، برداشت خاص آنها از رفاه فردی و نحوه پیوندبایکران بشود، درامان باشند.

زمان ما شاید بیش از هر زمان، دوران تغییرات عمیق و سریع باشد. تغییرات بسیار متنوعند، ولی بنظر می‌رسد که در اغلب موارد یک‌بوجه مشترک دارند و آن دارا بودن جنبه‌یی از رشد و توسعه است.

به رغم پاره‌یی تردیدها که اخیراً به وجود آمده است، مشخصه دوره جدید، رشدی تقریباً مداوم بوده و هنوز هم هست. ولی این

روند که در جهت رشد کمی است، شکل انباشته‌ی نگران‌کننده و منفی را نیز بخود گرفته است.

مسئله عبارت است از انبارکردن خود - خواسته و تمعدي مثل افزایش دائمی تولید و ذخیره سلاحي‌های اتمی و موشک‌هایی که قادر به حمل وسائل هستند که قدرت تخریب آنها روزبروز بیشتر می‌شود.

همینطور مسئله مربوط به نتایج خودرشد است؛ تفاله‌ها، آلودگی، و بطور کلی، آثار فعالیت‌های انسانی که به تمامیت کره زمین لطمه می‌زنند، مسئله است.

از طرفی تمام مسائل رشد سئوالاتی اساسی را پیش می‌کشند. و در درجه اول مسئله

علم بی طرف نیست، فعالیت دانشمند يك واقعیت اجتماعی است

نابرابری‌ها مطرح می‌گردد که نه تنها کم نشده بلکه بنظر می‌رسد که برائش رشد، روزبروز افزایش می‌یابد.

اگر چه روشن است که رشد اقتصادی بخصوص در کشورهای صنعتی، مزایای زیادی به‌مراه آورده است و مردم این کشورها، در مجموع، امکان‌یافته‌اند نیازهای اساسی خویش را از نظر تغذیه، مسکن، پوشاک و آموزش برآورده سازند، ولی در کشورهای روبه‌توسعه وضع چنین نیست. مشخصه وضع این کشورها را می‌توان دقیقاً در این واقعیت دید که قادر نیستند برای مردم خود، نیازهای اساسی زندگی را تأمین کنند.

ولی در این کشورها نیز، میان کسانی که اهرم‌های اقتصادی و اداری و یا سیاسی را بدست دارند، و توده اصلی جمعیت، نابرابری‌هایی غالباً شدید، وجود دارد.

در چنین حثاتی، ملاحظه می‌شود که يك رشد اقتصادی سریع ولی به تقلید از الگوهای برخی از کشورهای صنعتی، چندان موفق نمی‌شود که در کشورهای روبه‌توسعه، توده‌های عظیم مردم را دربرگیرد.

اما درون بسیاری از همین کشورهای پیشرفته نیز، يك نوع ناراحتی و نارضایتی عمیق ناشی از تقسیم نابرابر منافع حاصل از رشد وجود دارد؛ نابرابری میان دو جنس هنوز با برجاست، زنان به‌رغم پیشرفته‌ی انجام شده و از میان رفتن کم یا بیش عناصر مختلفی که باعث بدی وضع آنان بود، هنوز، بویژه از نظر درآمد، غالباً دچار محرومیت‌اند. نابرابری‌های بزرگ دیگری نیز میان گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد.

در پیشرفته‌ترین مناطق، هنوز نواحی فقیرنشین وجود دارند، چه در مرکز شهرهای بزرگ و چه در مناطق دورافتاده‌یی که برائش بی‌توجهی در حاشیه قرار گرفته‌اند. البته فقر مردم محروم‌تر در کشورهای روبه‌توسعه، بسیار وخیم‌تر از این است، چه در مورد توده‌های روستایی چه در مورد ساکنان غالباً بی‌یکار حاشیه شهرهای بزرگ و ملو از جمعیت.

اما پدیده بیکاری، در کشورهای روبه توسعه وخامت خاصی دارد، در این کشورها، رشد غالباً محدود بخش جدید، نتوانسته است برای نیروی انسانی بالقوه اشتغال کامل بوجود آورد. این پدیده طی چند سال اخیر، در کشورهای پیشرفته نیز چنان وسعتی بخود گرفته که یکی از مشکلات بزرگ این کشورها مبدل شده است.

همچنین نکته‌یی که بهمان اندازه اساسی است، نحوه زندگی ناشی از رشد اقتصادی است که مسائل بیش از پیش نگران‌کننده‌یی در مورد هدف‌غایی این رشد پیش می‌کشد.

در واقع، غالباً مصرف، که عنصر اصلی تحرك رشد اقتصادی است، در جهت ارضای نیازهای غیر انسانی قرارداد، و یا دقیقتر، این محصولات و اشیاء هستند که نیازها را برمی - انگیزند. حال آنکه بطور عقلانی، نیازها باید انتخاب‌های اقتصادی را تعیین کنند.

بدون شك، در اینجااست که می‌توان به ریشه از خودبیگانگی، که بسیاری از انسانها در مقابل مکانیسم‌های جامعه مصرفی احساس می - کنند، دست یافت.

بهرحال کافی نیست که مسائل را فقط به لحاظ کمی مورد نظر قرار دهیم. در واقع گنگه‌اینست که بدانیم این رشد در چه دورنمایی قرار می‌گیرد؛ هدف‌های غایی آن کدامند؛ و از خلال این جریان چه نوع انسانی ساخته می - شود.

شناخت، فقط بسا متوجه‌شدن بسوی هدف‌هایی که افراد و گروه‌ها برای خودشان معین می‌کنند، می‌تواند برسد و توسعه بمعنای کامل آن مبدل شود، یعنی بازشدن و شکفتن تمام آنچه که بطور بالقوه در انسان هست، و بواقیعت درآوردن جنبه‌های گوناگون خلاقیت انسان.

علم وفن منافع بسیاری برای بشریت به همراه داشته است و بانسانها، یا دست‌کم به

بخشی از آنان، کمک کرده تا از قیدوبندهایی که طبیعت به آنان تحمیل می‌کرده است، رهایی یابند.

ولی این قدرت خطراتی نیز در خود نهفته دارد، چه در مورد خساراتی که انسان، به طبیعت که خود به‌عنوان موجود زنده، جزئی از آن است، وارد می‌کند و بدین ترتیب تیشه بریشه بقای خود می‌زند، و چه در مورد قدرت روزافزونی که انسانها در برابر هم‌نوعان خود بدست آورده‌اند و افراطی‌ترین تظاهرات آن قدرت تخریبی جنگ‌افزارهای جدید، یا امکان‌مداخلات نگران‌کننده در هستی بیولوژیک یا اجتماعی افراد است.

باوجود این، علم نظر به اثراتی که دارد، بی‌طرف نیست. فعالیت دانشمندان، یک واقعیت اجتماعی است و ازین لحاظ بانظام سیاسی‌ربط دارد.

عام بودن شناخت علمی، که با عینیت و بی‌نظری آن ملازمست دارد، باید ما را وادارد که مجموع این شناخت را میراث مشترک بشریت بدانیم، و هرچه را که چون تملك انحصاری شناخت علمی بنظر می‌رسد، مورد شك و تردید قرار دهیم. اگر این‌نظر درست است پس منصفانه آنست که این دانش، بی‌هیچ‌نوع محدودیت و قیدی در اختیار همگان قرارگیرد. بنابراین جستجوی یک نظام جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر به قائل‌شدن اهمیت‌ی اساسی برای مسائل علمی و فنی می‌انجامد. توسعه توانایی علمی و فنی که برای همه کشورها لازم است، نیازی حیاتی و فوری برای کشورهای روبه‌توسعه است.

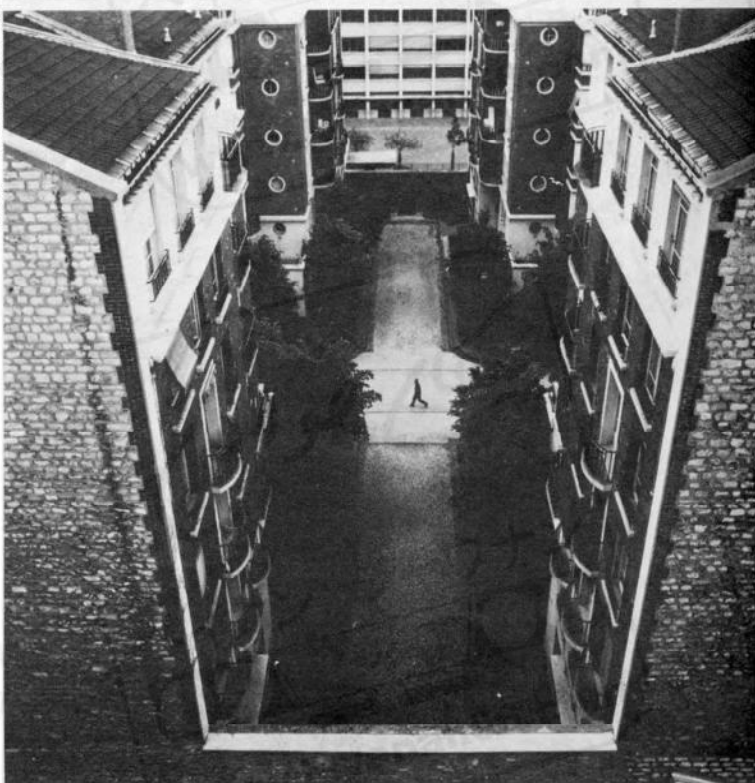
بنابراین، هر بار که امکان داشته باشد، باید در کشورهای روبه‌توسعه، ایجاد تکنولوژی‌های خاص خود، با در نظر گرفتن مجموعه‌یی از عناصر ویژه، بخصوص در دسترس، بشکلهای قابل استفاده انرژی و نیروی انسانی را بر تکنولوژیهای وارداتی که بر حسب مقتضیات محیط دیگری بوجود آمده‌اند، ترجیح داد.

در این مورد باید برای نضج مجدد سنت‌های فنی براساس شناخت‌های قدیمی که

Photo Constantine Manos Magnum, Paris



Photo Gérard Dufrenoy, Paris



«از میان بردن نابرابریها، برانداختن گرایش خطرناک مربوط به افزایش اختلاف میان کشورهای پیشرفته و رو به توسعه یک ضرورت حیاتی است.»

یک کار طاقت‌فرسا باین روستایی آمریکای لاتین (بالا سمت راست) فقط امکان می‌دهد که زنده بماند. تنها نظام جدید اقتصادی بین‌المللی که باید آنرا در جهان برقرار کرد، می‌تواند سرنوشت او را بهبود بخشد و دسترسی به مزایایی چند (عکس سمت راست) از یک جامعه پیشرفته را برای او ممکن سازد.

مذتها به نام تجدد مورد بی‌توجهی بوده‌اند، اهمیت خاصی قائل شد. زیرا این فنون در حکم تأیید و تحکیم خصوصیات فرهنگی یک جامعه است و می‌تواند وسیله ممتازی برای ایجاد اعتماد و حرکت در توده مردم - و نه فقط در برگیرندگان - بسوی توسعه‌ی بی‌پایان باشد که بطور وسیع مشارکت و ابتکار یکایک افراد را در پی‌دارد.

در نتیجه ضرورت اعدام کاملتر توسعه علم در مجموعه هدفهای غایی جامعه، آشکارتر می‌شود. نظام شناخت و نظام سیاسی الزاماً باید بایکدیگر سازگار باشند. علم و فن را نمی‌توان عواملی تلقی کرد که توسعه آنها به اتفاق و تصادف یا بعهده نیروهایی که برفع خود از آنها استفاده می‌کنند، رها شود.

اما، نه رشد اقتصادی و نه توسعه علمی و فنی نباید بقیمت فداکردن هویت فرهنگی تمام شود. اگر تمدن جهانی آینده بجای تکیه بر شکوفایی فرهنگهای متنوع و اصیل، بر یکنواختی و ابتدال تکیه داشته باشد، مهمل و بی‌معنی خواهد بود.

فرهنگ، در حدی که در سنت ریشه دارد، گاه بعنوان مانعی برای تجدد تلقی می‌شود. در واقع، این که کشورها زیر بار نمی‌روند که با پذیرش الگوهای خارجی هویت فرهنگی خود را از دست بدهند، نه تنها جنبه منفی ندارد بلکه، به‌عکس، باید چه از نظر این کشورها و چه از دیدگاه یک دورنمای کلی، وجه مثبتی تلقی شود.

زیرا آنچه نفی می‌شود، چیزی نیست جز تقلیدی که از اصالت، یعنی از مایه قوت و ارزش کارهای انسانی، بهره‌ی ندارد. در مقابل، نمونه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد دست‌یابی به تجدد در کشورهای جهان سوم، ممکن است از راههایی غیر از پذیرش انفعالی جریانی منطبق بر الگوهای بیگانه عملی شود.

آگاهی به هویت فرهنگی می‌تواند قدرتی باشد که پشتوانه توسعه اقتصادی و تجدد قرار گیرد و تحرک و ویژه‌ی به آنها ببخشد.

بنابراین مطالبه هویت فرهنگی، که یکی از مشخص‌ترین عناصر زمان‌ماست، یک دل‌بستگی بی‌پرده و حسرت‌بار به گذشته‌ی که بسر رسیده، نیست. درست است که این هویت فرهنگی وابسته به سنت، یعنی وابسته به صورتی است که جمع تمام تجربه‌های یک جامعه، طی تاریخ در آن به ثبت رسیده است، ولی معنای آن اینست که از این گذشته، خمیرمایه‌ی برای آینده بسازد.

از این‌رو هویت فرهنگی، که تبلور خواستهای مردم جهان سوم بود، پس از رهایی آنان از قید استعمار، باز بنحوی قاطع‌تر بین اراده آنان در نحوه برخوردی با آینده است که خاص خودشان باشد و شکل‌های گوناگون و گاه موزیانه از خود بیگانگی به آن راه نداشته باشد. این شکل‌های از خود بیگانگی ممکن

است توسط جوامعی به آنان تحمیل شود که ساختارها و نحوه‌های زندگی و رشدشان، در مقطع معینی از تاریخ بصورت الگو در آمده است. هویت فرهنگی که خواست خودبودنست، بمعنای انزوا و در خود فرو رفتن نیست. به‌عکس، با وفادار بودن بخودشان است که فرهنگ‌ها می‌توانند تحولی هماهنگ یابند، توسعه پیدا کنند و با فرهنگ‌های دیگر روابطی برقرار براساس گفتگو و تبادل برقرار سازند.

بدینگونه، حفاظت میراث فرهنگی، از تمام جوانب مختلف خود، چه در مورد آثار یادبود و شهرهایی که می‌باید از گزند زمان و آلودگی یا از اثرات پاره‌ی اعمال انسانی نجاتشان داد،

و مطالبه هویت فرهنگی یکی از مشخص‌ترین عناصر زمان‌ماست،

و چه در مورد زبانها، سنتهای شفاهی و هنرهای نمایشی و موسیقی که باید زنده نگاهشان داشت، در عین حال و بنحوی جدایی ناپذیر، اقدام در جهت تحکیم هویت فرهنگی، شرط لازم برای گشایش زنده یک فرهنگ بروی تمام فرهنگ‌های دیگر و غنائی برای سراسر بشریت، شمرده می‌شود.

بنابراین، فقط از طریق شناخت متقابل و احترام بفرهنگ‌های گوناگون است که می‌توان در سطح جهانی یک همزیستی واقعی فرهنگی بوجود آورد که نه تسلط شکل خاصی از فرهنگ با طیف محدودی از ارزشها باشد و نه نوعی جهان وطنی فرهنگی از طریق گرفتن ضریب مشترک از عناصر غیر اساسی هر فرهنگ که برای پیش پا افتادگی و مبتذل شدن آمادگی دارند.

ولی هیچ چیز دشوارتر از تعیین واقعیت یک فرهنگ و فرهنگ بطور کلی نیست. باید از تعبیرهای بسته و محدود و نخبه‌گرایی که فرهنگ را نظامی از هنرهای زیبا و ادب، و تجملی خاص معدودی از افراد ممتاز تلقی می‌کند، فراق رفت.

فرهنگ بمعنای وسیع کلمه، عنصری اساسی از سر زندگی هر جامعه است؛ ترکیبی است از تمام فعالیت‌های سازنده یک ملت، شیوه‌های تولید و تصاحب ثروت‌های مادی، شکل‌های سازمان‌یابی، باورها و دردها، کارها و سرگرمی‌ها و رؤیاهای و دستاوردهای او.

به این عنوان، فرهنگ، علاوه بر سیاست‌های خاص خود، مستلزم جهت‌گیریهای مکتبی در دیگر زمینه‌های فعالیت انسانی، بخصوص در زمینه آموزش و اطلاعات است.

جستجوی هویت فرهنگی در واقع پاسخی است به خواست کاملاً آشکار هر جامعه در طرح‌ریزی و اجرای فعالیت آموزشی، بر حسب هدفهای خاص خود و باطرد هر آنچه می‌تواند شناختها، روشها و رفتارهایی را تحمیل کند که با آرزوها و نیازهای واقعی آن مطابقت ندارد.

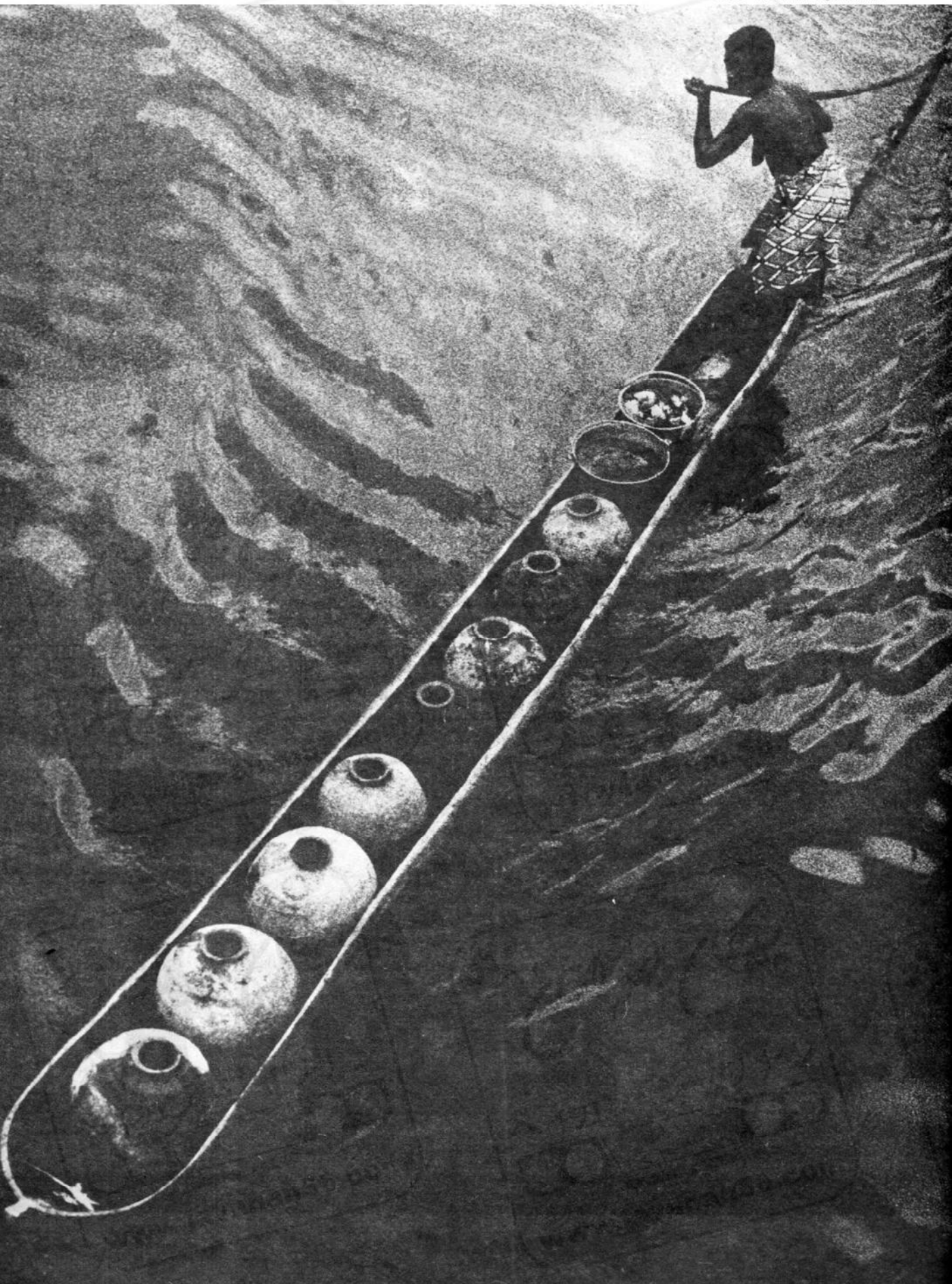
در واقع، غالباً نظام‌های آموزشی کشورها، از رو به توسعه، عبارتند از تقلیدی از نظام‌هایی که در کشورهای پیشرفته، متناسب با جوامع دیگر و با وسائلی دیگر و برای خدمت به هدف‌هایی دیگر تهیه و تدوین شده‌اند.

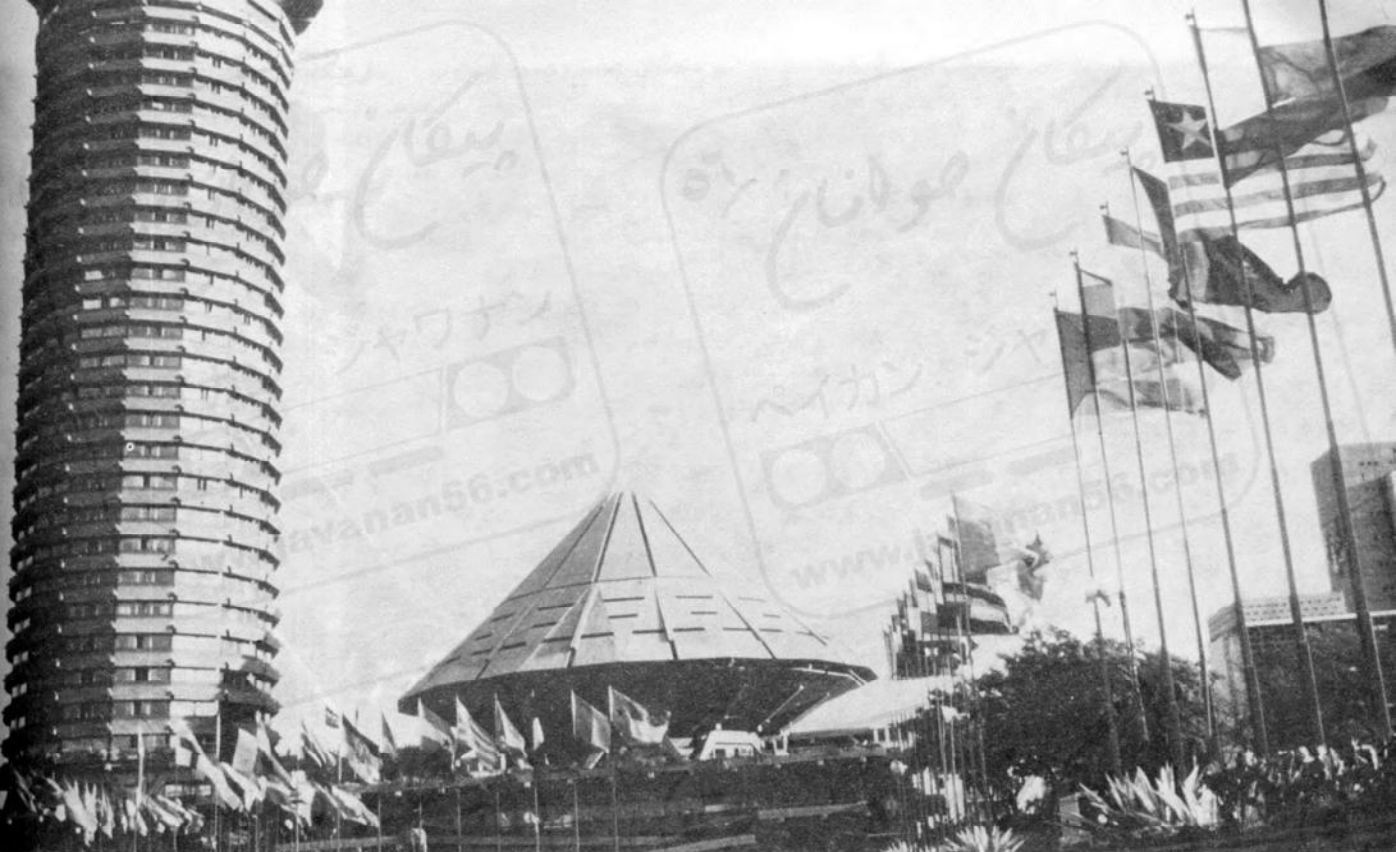
یکی از وظائف اصلی سیاست‌های فرهنگی، مشخص کردن و شکل دادن دوباره آنها با توجه به هدفهای خاص هر جامعه، و واقعیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است.

و اما در مورد اطلاعات و خبر، یکی از الزام‌هایی که باید بموازات آن در نظر گرفت، پرهیز از خطر تجاوز فرهنگی است که ممکن است و بر اثر نابرابری جوامع مختلف در دارا بودن وسائل ارتباطی، بوجود آید.

در وضع حاضر، پخش اطلاعات، تا حد زیادی بصورت یک جانبی، از مراکزی که بویژه در کشورهای صنعتی قرار دارند، انجام می‌گیرد. این اخبار و اطلاعات، الزاماً، انعکاسی است از مسائل و خواستها و نظرهای جوامعی که پخش‌کننده خبر و دارندة وسائل خبری‌اند و دستگاه‌هایی که محل این اطلاعات و اخبارند، خواه و ناخواه به نوعی سلطه‌جویی گرایش پیدا می‌کنند که می‌تواند تحمیل‌کننده الگوهای فرهنگی باشد.

«ملاحظه می‌شود که یک رشد اقتصادی سریع ولی تقلید از الگوهای عرضه شده توسط برخی از کشورهای صنعتی، چندان موفق نمی‌شود که در کشورهای رو توسعه، توده‌های عظیم مردم را در برگیرد.»
سنت چپ، حمل‌نقل مواد غذایی بوسیله بلم بر روی رودخانه در آفریقا.





در سمت راست عکس بالا، مرکز کنیانا در نایروبی دیده می‌شود. در اینجا بود که در پائیز گذشته، کنفرانس عمومی یونسکو مسائل مربوط به نظام جدید اقتصادی بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد. عکس پایین، تصویری از زندگی روزمره در حومه‌های شهر مانیل در فیلیپین.

«اگر بردیدی نیست که رشد اقتصادی، بخصوص در کشورهای صنعتی مزایای زیادی به‌مراه آورده است و مردم این کشورها در مجموع، امکان یافته‌اند نیازهای اساسی خویش را از نظر تغذیه، مسکن، پوشاک و آموزش برآورده سازند، ولی در کشورهای رو به توسعه، که قادر به برآوردن نیازهای اساسی زندگی برای مردم خود نیستند، وضع چنین نیست.»

(آمادوسمپتارامبو)



◀ کاملاً ضرورت دارد که شرائط تبادل واقعاً متعادل خبر، که اساس هر نوع کوششی برای ایجاد يك همبستگی حقیقی بین المللی است، برقرار شود.

هريك از تحلیلهای بالا در مورد جنبه‌ی خاص از مسائلی که در جهان کنونی مطرح است، به چشم اندازی کلی‌تر و عمومی‌تر مربوط می‌شود که چشم انداز رشد انسانها و جوامع است.

با آنکه مسائل و مشکلات توسعه در مرکز توجه و اشتغال ذهنی کشورهای کم‌رشدتر قرار دارد، کشورهای موسوم به توسعه یافته را نیز شامل می‌شود. گفته‌اند که در جهان چیزی جز کشورهای روبه توسعه وجود ندارد. بسیاری از کشورهای صنعتی که بحرانهای اقتصادی و مالی را می‌گذرانند، با کمبودهای حادی در فلان بخش خاص تولیدی روبرو هستند، با مسائل محیط زیست یا با مشکلاتی که این یا آن بخش از جامعه را شامل می‌شود، درگیرند.

در مقابل جریان يك نواخت کننده الكوی صنعتی، که بر اثر عدم کنترل کافی ارتباطات جمعی خطرناکتر هم شده است، در مقابل تغییرات شالوده‌های اقتصادی یا اجتماعی که افراد را از ریشه خود جدا می‌کند، در مقابل بحران جوانان، شهرها، یا فرهنگ عوام، کشورهای پیشرفته باید در بسیاری از موارد، در جستجوی نوع جدیدی از توسعه باشند.

رشد، اگر بشکوفایی افراد و جمع کمک نکند و اگر انسانیت و خلافت رادر پی نداشته باشد هیچ معنائی نخواهد داشت.

پس می‌بینیم چنین دیدی از توسعه، با مفهومی که فقط بعد اقتصادی را در نظر دارد و رشد را فقط از جنبه کمی‌اش، مثلاً از نظر مقدار درآمد ناخالص ملی، می‌سنجد، تا چه حد فاصله دارد.

این نوع توسعه که فقط تابع نیروهای بازار است، تنها می‌تواند به تشدید اختلافات و بالا رفتن انواع نارضایتی‌ها بینجامد.

جهانی بودن و تنوع توسعه، جریانی است که در همه جا هست و مرکزی در هیچ جا ندارد. این مفهوم که حاصل تحلیل دقیق مسائل جهانی است، بطور طبیعی به شك و تردید درباره آن نظام بین المللی می‌انجامد که بطور ضمنی یا آشکار بر اساس برتری پاره‌یی مراکز صاحب قدرت اقتصادی و بر اساس نوعی روابط بین المللی که طبق نوع خاصی از عقلانیت بوجود آمده، استوار است.

از طرفی، بحرانهای اخیر، چه بحران پولی و چه بحران انرژی، محدودیت این نظام را نشان داده است.

در واقع، میان منطق نظام بین المللی کنونی که پیرامون کشورهای صنعتی متمرکز شده است، و الزامهای ناشی از راه‌حل کلی مشکلات بر اساس همبستگی و عدالت، تضاد

عمیقی وجود دارد.

آشکارترین دلیل این تضاد خواست کشورهای روبه توسعه در مورد برقراری روابط اقتصادی نوع جدیدی با کشورهای صنعتی است که بویژه تسلط هر کشور بر منابع طبیعی خود و امکان مصرف آن ب نفع اتباع خویش، مشارکت بر پایه برابری حقوق، در تصمیمهای مربوط به طرز کار نظام بین المللی اقتصادی و بطور خلاصه، پذیرش برخی از قوانین تازه و منصفانه‌تر را شامل شود.

این خواستها در فکر ایجاد يك نظام جدید اقتصادی بین المللی، تبلور یافته‌اند. نظامی که برای بیان و عرضه آن، مجمع عمومی ملل متحد، اعلامیه و برنامه عمل مربوط به استقرار يك نظام جدید اقتصادی بین المللی را در اول ماه مه ۱۹۷۴ و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها را در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ تصویب کرد. در واقع دید کلی مسائل، از چشم انداز خاص یونسکو، یعنی در نظر گرفتن مجموعه مسائل زمان ما، در حدی که به زمینه‌های علم، فرهنگ، آموزش و خبر مربوط می‌شوند، ما را بفکر حرکت بسوی يك نظام جدید اقتصادی بین المللی بمعنای وسیع کلمه می‌اندازد، یعنی حرکت بسوی نظامی جهانی، که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در عین حال در نظر بگیرد و برای خواسته‌های اساسی انسان در زمینه پیشرفت، صلح و عدالت، ارزش قائل باشد.

آمادو - مهتارامبو

برای
بوجود آوردن
يك
همبستگی واقعی
بین المللی،
کاملاً اساسی است
که شرایط يك
مبادله اطلاعاتی
واقعاً متعادل،
ایجاد شود؟

حق انسان بودن



Photo © Léon-Claude Venezia, France

یا مذهب، یا تجاوز به امکان جستجو، دریافت یا پخش اطلاعات یا افکار؛

● تجاوزاتی که اخیراً آگاهی جمع را بخود متوجه ساخته است، مثل تجاوزات مربوط بتصاحب ناحق منافع طبیعی و فرهنگی و یاغارت محیط زیست؛

● تجاوزات ناشی از تحقیر و یا رد هویت فرهنگی یا تشنجها و کشاکشهایی که درجوامع چند نژادی وجود دارد.

بنابراین تحقق یافتن حقوق بشر در مقیاس تمام بشریت مستلزم آنست که تمام شرائط لازم برای یک زندگی دور از گرسنگی، برهنگی، اضطراب فردا، دروازه منتهای جهل و نهایت طردشدگی، و دور از پریشانی و یأس جبری، فراهم شود.

اما هیچیک از سازمانهای بین المللی بهتر از یونسکو نمی تواند این خصوصیت اساسی و اصلی پیشرفت حقوق بشر را احساس و اظهار کند و در یک برنامه مشخص و ملموس جای دهد.

و یکی از نکات اصولی این است که احترام بانسان غیر قابل تفکیک است.

گذشت زمان رسوایی نابرابری را محو نمی کند؛ به عکس، مقضیات نظم و مصلحت عمومی - و شاید هم قدرت طلبی - توقیف های خودسرانه و شکنجه را نه توجیه می کند و نه قابل گذشت، همانطور که بهانه رشد و توسعه - و شاید هم سودجویی - نمی تواند بردگی و استثمار انسان را قابل قبول سازد، و توجیه به ایجاد نخبه یی از روشنفکران، در جهل نگاهداشتن توده های مردم را توجیه کند.

در این چشم انداز، پنج هدف درمقابل

جامعه بین المللی اکرون باشدتی بیشتر از همیشه، اراده خود را برای اعمال حقوق بشر به وسیعترین و کاملترین معنای کلمه، در سراسر جهان، ابراز می کند. اما جامعه بین المللی امروز، برسر دوراهی قرار گرفته است. زیرا دادن آزادیهای صوری بکسی که بعلت بدبختی نمی تواند از آن استفاده کند، مسخره است؛ اما به عکس، بهبود اوضاع مادی توده یی که در بند زنجیرهای نادانی و خارج از جامعه روابط انسانی و جریان تاریخ قرارداد نیز نفی حیثیت انسانی است.

حقوق بشر هرروزه مورد تجاوز قرار می گیرد؛

● تجاوزات عمدی مقامات دولتی که می ندارند خودشان تنها داور برای تشخیص قانونی بودن اقداماتشان هستند، به بهانه شرائط خاص بحران سیاسی یا اجتماعی، یا مقتضیات حفظ نظم و یا حفظ همبستگی ملی اقدامات خود را توجیه می کنند؛

● تجاوزات آشکار، با آنکه اغلب سعی می شود آنها را پشت سر همان اصولی پنهان سازند که خود لگدمالشان می کنند، مانند تجاوزاتی که ناشی از موقعیتهای محلی و استثنائی است؛ آپارتاید، بقایا یا نفع مجدد ستمهای استعماری یا استعماری نو، اشغال نظامی سرزمین های دیگر؛

● تجاوزات پنهانی تر در شالوده ها و طرزکار جوامع بیدادگری که زیر زرق و برق دموکراسی صوری، فشار و استثمار را اعمال می کنند که سنگینی آن بردوش گروههای محروم یا پاره یی افراد وارد می شود؛

● اعمال شکنجه؛ تجاوز با آزادی فکر، وجدان

یونسکو قرار دارد.

۱ نخستین هدف افزایش شناخت در زمینه حقوق بشر و نیز فاش کردن تجاوزهایی است که به آن می شود. در واقع، در وهله اول مسئله حمایت از انسان بصورتی که هست، از طریق حقوق پیش بینی شده در اسناد لازم الاجرا مطرح است.

از اینرو، ضمن عرضه کردن بی وقفه راه حل هایی در مورد درگیری دیرین فرد و دولت، حقوق بشر باید بعنوان اساسی برای همکاری میان فرد و دولت برای مقابله با برخی از اشکال تجاوزکارانه قدرت خصوصی (مثل شرکت های چند ملیتی) و در چهارچوب یک نظام جدید اقتصادی، شناخته شود.

۲ هدف دوم مربوط باحترام به هویت فرهنگی است. در واقع، در همه جا، در مبارزه با تبعیض های نژادی، زبانی یا فرهنگی، حق داشتن فرهنگ ویژه خویش، به عنوان جزئی از حقوق بشر مورد استناد قرار می گیرد.

هویت فرهنگی با حفظ نقش سیاسی رهایی بخش خود، با جستجوی یک نظام جدید اقتصادی بین المللی که هم اکنون درست انجام است، به زمینه اقتصادی و اجتماعی هم گسترش می یابد. این نکته روز به روز آشکارتر می شود که استقرار این نظام جدید مستلزم آن است که هر ملت پیش از پیش به هویت و رسالت خود آگاه گردد.

تاکید هویت فرهنگی هر خلق، اساس چندگانگی و تنوع فرهنگی است، چه این خلق از نظر سیاسی مستقل باشد و یا نباشد، قدرتی بزرگ باشد یا نباشد، منابع و فنون لازم را در اختیار داشته باشد یا هنوز در حال توسعه

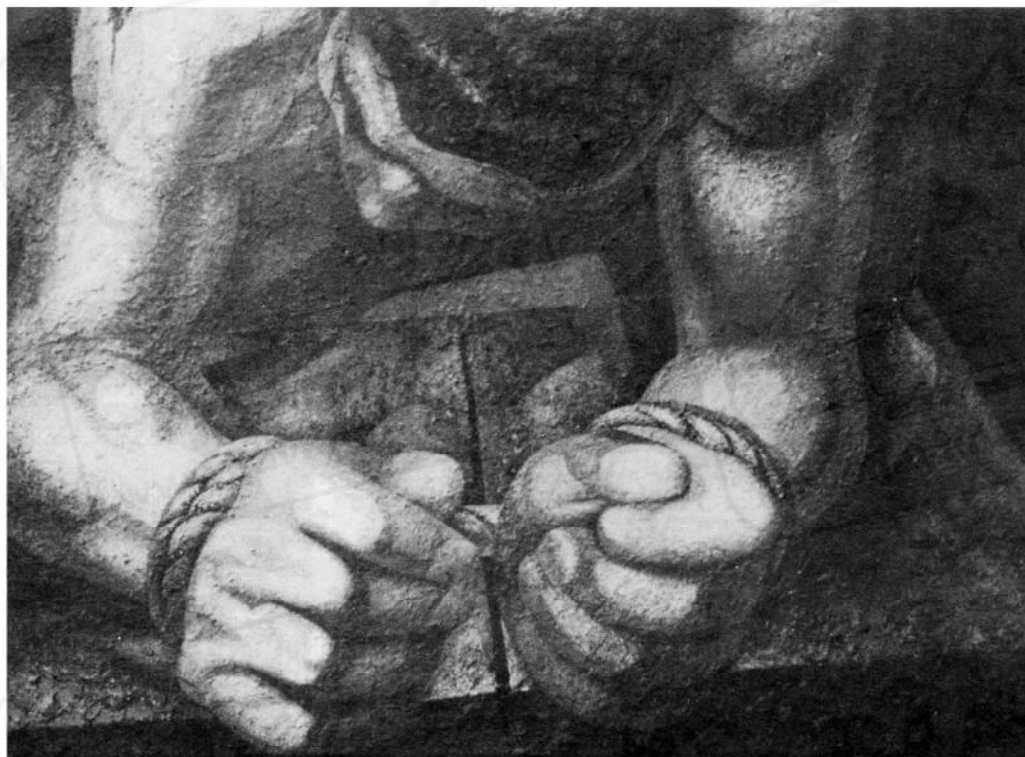


Photo: D. Dan, Paris

یکی از وظائف مهم یونسکو، حفظ حقوق بشر و دفاع از آن است، حقوقی که هر روز چه بطور آشکار (نژادپرستی، استعمار نو، سوءاستفاده از قدرتهای دولتی و غیره) و چه بطرفی مودیان تر (بهره کشی از کار انسان، نابرابریهای مفتضحانه، تبعیضات زبانی یا فرهنگی و غیره)، در سمت راست، تصویر خوشبختی کودکان، در غالب موارد جای خود را به تصویر انسانی با زنجیرهای گران (سمت چپ) و محکوم به تحمل زندگی شرم آور می دهد. این تصویر قسمتی است از یک نقاشی دیواری، کار هنرمند مکزیکی، داوید آلفارو-سیکروس (۱۹۷۴-۱۸۹۷).

معمولا برای تدریس حقوق بشر دشواریهایی را برمی انگیزد و از این رو معلمان باید برای ایفای وظیفه جدید خود، آماده شوند. بدانسان که جوامع بسوی هدفهای مورد نظر پیش می روند، آموزش و اطلاعات نقشی بسیار اساسی ایفاء می کنند، زیرا قاعد بسیار زیادی در پرتو آموزش و اطلاعات، مردم به حقوق خود پی می برند و می توانند آن را به گونه یی سنجیده و مؤثر اعمال کنند و بدین ترتیب راه اجرای حقوق بشر هموار می گردد.

(از برنامه میان مدت (۸۴-۱۹۷۷) یونسکو، فصل اول، ترویج حقوق بشر)

شرکت کامل زنان در پیشرفت جامعه مستلزم آن است که صدای آنان در گروهها و مجامعی که مسئول تصمیم گیری هستند، از انجمن ده یا تعاونی گرفته تا بالاترین مراجع رسمی کشور، شنیده شود. فاصله بین شناسایی رسمی حقوق اساسی زنان در زمینه سیاست و شرکت واقعی آنان در ساختهای سیاسی بسیار زیاد است. در جاهایی نیز که زنان نماینده دارند، این نمایندگی هرگز متناسب با تعداد و استعداد ایشان نیست.

۴ هدف چهارم مربوط به دفاع از پناهندگان و جنبش های آزادیبخش ملی است. یونسکو از زمان تأسیس خود تاکنون فعالیتهایی برای کمک به پناهندگان انجام داده است؛ مثلاً طی سالهای بعد از پایان جنگ دوم جهانی، یونسکو به پشتیبانی از دفتر امداد سازمان ملل برای پناهندگان فلسطین درخاور نزدیک برخاست. یونسکو مسئولیت فنی خدمات آموزشی برای کودکان یک میلیون ونیم پناهنده فلسطینی را برعهده گرفت. در ۱۹۷۱، برنامه خاصی برای کمک به جنبش های آزادیبخش آفریقا که از سوی سازمان وحدت آفریقا برسمیت شناخته شده بودند، اجرا شد.

۵ بالاخره پنجمین هدف مربوط به بسیج وسائل آموزش و پرورش و اطلاعات، برای آماده کردن افکار نسبت به الزام رعایت جهانی حقوق بشر، روشن نمودن اذهان عمومی در مورد محتوای آن، و ترغیب عموم به بررسی عمیق در شرائط این حقوق و اقدام در راه تحقق آن است. آموزش و پرورش و اطلاعات در زمینه حقوق بشر، کاری است که مسائل متعددی را پیش می کشد. هرگونه تغییر یا اصلاح آموزشی

باشد. برسمیت شناختن و رعایت این چندگانگی براساس برابری حقوق و حیثیت، امروزه، عاملی برای صلح و تفاهم تلقی می شود.

بعلاوه از آنجا که مناطق فرهنگی با مرزبندی سیاسی مطابقت چندانی ندارند، باید برخوردی قیاسی، مبادلات و ایجاد نزدیکی را میان کشورهایی که دارای میراث مشترکی هستند، ممکن ساخت، حتی اگر این کشورها امروز از پاره یی جنبه های اقتصادی و سیاسی، مسلکی با یکدیگر تفاوت داشته باشند.

۳ هدف سوم مربوط به بخشی از بشریت است که مدت های دراز مورد تبعیض و حتی استثمار قرار داشته است، یعنی زنان که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و ۷۰ درصدشان در کشورهای روبه توسعه بسر می برند.

با وجود پیشرفتهای و تلاشهای انجام شده، سه عامل بزرگ هنوز زن را در وضعی پست تر از مرد قرار می دهد. سنگینی وظائف خانوادگی، نابرابری در زمینه آموزش و تبعیض در مورد اشتغال.

دو اصل بزرگ باید راهنمای فعالیت یونسکو در این زمینه باشد. نخست آنکه تغییر واقعی شرائط زنان مستلزم باز نمودن تمام اعمال تبعیض آمیزی است که زنان در زمینه های آموزش، علوم، فرهنگ و اطلاعات با آن دست بگریبایند.

اصل دوم اینکه خود زنان باید برای بهبود سرنوشتشان تلاش کنند. لازمه این امر آن است که زنان، در انجام اصلاحاتی که به اعاده حقوق آنان منجر خواهد شد، شرکت کنند.

ساختن صلح

یونسکو در زمینه حل اختلافهای کاملاً سیاسی میان دولتها صلاحیتی ندارد. ولی رسالتش اینست که بنحوی مستقیم و آشکار در راه صلح بکوشد. در واقع، همانگونه که بنیانگذاران یونسکو اشاره کرده‌اند امر صلح با فکر انسانها سروکار دارد، «در فکر انسانهاست که باید مسائل دفاع از صلح را بوجود آورد».

امر آموزش جوانان و بزرگسالان که به منزله دعوتی است به آزادی، و دوری و گشاده دستی برای گسترش همبستگی و دادن برداشتی آگاهانه به تمام مردم از شرائط صلحی عادلانه که براساس احترام متقابل بنیان شده باشد، بر عهده یونسکو است.

انسانهایی که تعدادشان روبه‌زونی است، مسابقه چون آمیز تسلیحاتی که بخودی خود تهدید عظیمی برای صلح جهانی است، بیش از پیش در اذهان عمومی بعنوان اتلافی فضاحت بار انرژیها و ثروتها تلقی می‌شود.

صلح واقعی، بآن معنی که یونسکو در نظر دارد، یعنی صلحی عادلانه، پایدار و سازنده باید علاوه بر فقدان جنگ، بعنوان یک نظام منصفانه و دموکراتیک از روابط بین‌المللی، و بعنوان استقرار و حفظ نظامی از تفاهم دوستانه و همکاری صمیمانه میان مردمانی انگاشته شود که بطور عمیق معتقد به رعایت و پیش‌برد حقوق بشر باشند.

«صلح فقط فقدان جنگ نیست. صلح اساساً مستلزم روندی از پیشرفت، عدالت و احترام متقابل میان ملتها در راه بوجود آوردن یک جامعه بین‌المللی است، جامعه‌یی که در آن هر کس جای واقعی خود را داشته و دارای سهمی از منابع فکری و مادی جهان باشد» (کنفرانس عمومی یونسکو، ۱۹۷۴).

در موضوع صلح و جنگ، نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که همواره حفظ انسان بعنوان یک نوع، یا بهر حال مسئله بقاء او به عنوان حامل تمدن مطرح است.

با ایشمه، آرامش نسبی‌یی که میان کشورهای صنعتی موجود است (و حد اقل قسمتی از آن نتیجه تعادل وحشت از خطر اتمی است) نباید خوش‌بینی بیش از حدی نسبت بآینده ایجاد کند؛ و بویژه نباید تصویری واهی در مورد آنچه اکنون می‌گذرد بوجود آورد. جنگ هم چنان ادامه دارد، فقط شعاع عمل آن بطرف کشورهای فقیر تغییر محل داده است، زیرا در این کشورهاست که تضادهای بین‌المللی، به نحوی از انجا اثرات خود را بروز می‌دهند.

بدون تضمین صلح و کاهش تشنجهای راه حل تمام مشکلاتی که برای بشریت مطرح است، بشدت بمخاطره می‌افتد. همینطور هر نوع راه حل بین‌المللی که به بهای نفی آزادی و حیثیت کشورها و احترام افراد بدست آید، نمی‌تواند امر صلح‌آمیز واقعی بشمار آید.

در برابر بدبختی و رکودی که بخش بزرگی از بشریت بدان محکوم است، در برابر لزوم بسیج تمام منابع برای ارضاء نیازهای حیاتی

بهای يك بمب افکن

«برای هر نظام تازه عادلانه‌تری، يك شرط مقدماتی مطلق وجود دارد، منظور صلح است و حذف موانع آن مثل مسابقه تسلیحاتی، که تیشه بریشه قوانین برقراری چنین نظامی می‌زند».

مسئله مسابقه تسلیحاتی و بخصوص چشم‌انداز يك خلع سلاح دست‌کم تدریجی، بدو دلیل مورد توجه سازمان ماست. در واقع، فقط بخشی از این منابع عظیم مالی، انسانی و فکری را که امروزه بمعنای دقیق کلمه تلف می‌شود، برای درمان آشکارترین بدبختی‌های انسان و برای تدارک اقدام مصممانه و هماهنگ جامعه بین‌المللی برای منافع بشری کافی خواهد بود.

از طرف دیگر لازم است که این فضای ساختگی بی‌اعتمادی و وحشت متقابلی را که «مسابقه تسلیحاتی» باعث آنست، از میان برداشت و از خطرات مداومی که ادامه چنین وضعی برای صلح جهان در بر دارد، پرهیز کرد.

تصمیم گرفتن، در نهایت امر، مربوط به خود دولتهاست. به‌سوی آنهاست که من رو می‌کنم و صمیمانه از آنها می‌خواهم که نه تنها در راه خلع سلاح، بر تلاش خود بیفزایند، بلکه بخشی از منابعی را که امروزه صرف ماشین‌های مرگبار می‌کنند، به تحقق برنامه‌یی که به نفع بشریت، و در زمینه‌های صلاحیت یونسکوست، اختصاص دهند.

حتی بیشتر می‌روم و می‌گویم: فرار دادن مبلغی ملا معادل بهای يك بمب‌افکن جدید یا هر نوع وسیله نظامی گران‌قیمت دیگر، در اختیار یونسکو، از طرف کشورهای عضوی که به چنین ابتکاری دست زنند نه تنها يك عمل سمبلیک پر دامنه و اثر است، بلکه کمک مستقیمی به همکاری بین‌المللی در زمینه آموزش، علوم، فرهنگ و اطلاعات خواهد بود».

آمادو-مپتارامبو

مدیر کل یونسکو

مباحثه سیاست کلی در کنفرانس عمومی یونسکو

نایروبی، نوامبر ۱۹۷۶

در جهان هر روز،

معادل بودجه

هفت سال یونسکو،

خرج تسلیحات

می‌شود

بهای ساختن مدل اولیه يك بمب افكن جديد باتجهيز آتش



با حقوق
۲۵۰,۰۰۰ معلم
ظرف يكسال

Photo Peter Larsen - Unesco



يا
با ۳۰ دانشكده
علوم، هريك به
گنجایش ۱۰۰۰
دانشجو

Photo Mireille Vautier - Unesco



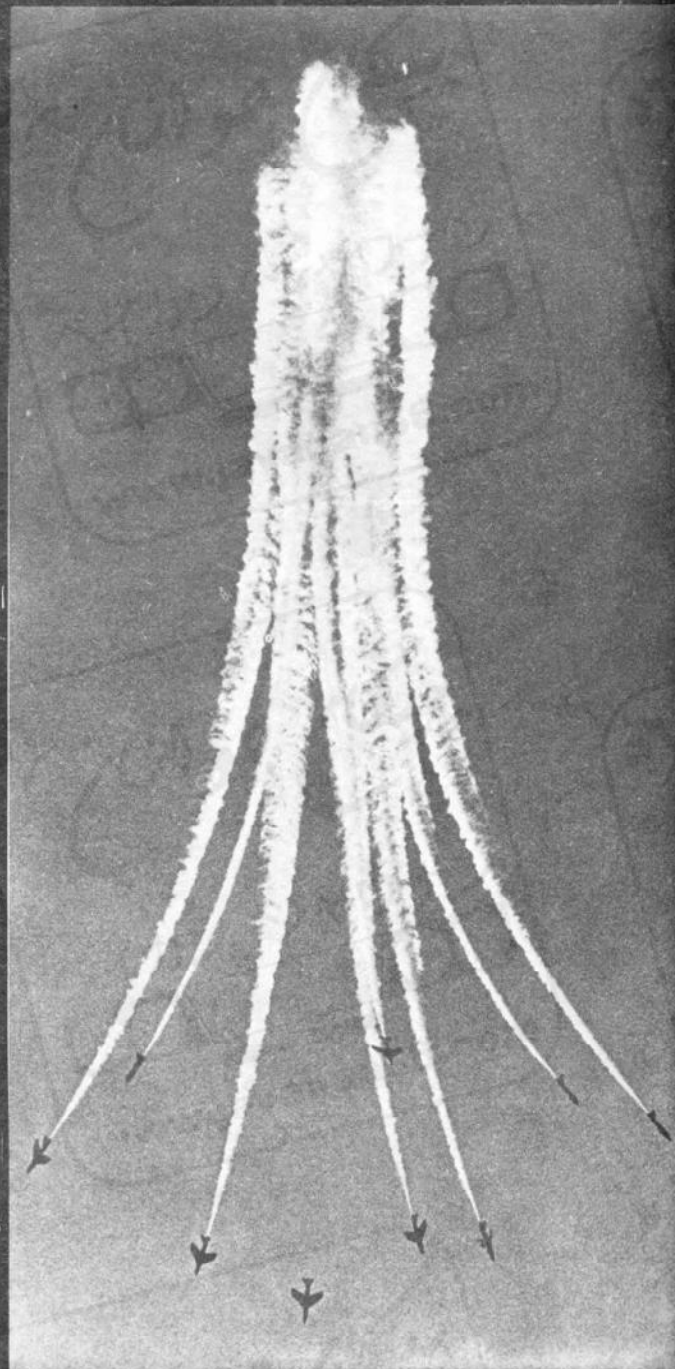
يا
با ۷۵ بیمارستان
صد تختخوابی
كاملا مجهز

Photo Dominique - Unesco



در نوامبر ۱۹۶۴ مجله پیام یونسکو تصاویر و معادله‌های مشابهی منتشر کرد.
بر آن زمان هزینه‌های نظامی جهان، سالانه بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار می‌شد.
امروزه این مبلغ به ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. ظرف سیزده سال،
ارقام بدون وقفه بالا رفته ولی نسبت‌ها حفظ شده‌اند.

Photo c Th. Heimgartner, tirée de Envois, éd. Hamis Reich Verlag, Munich et J. F. Ormoud, Genève



ضمنی و غیر مستقیم به ساختمان صلح است و
از این رسالت اساسی الهام گرفته است. زیرا
آموزش و اطلاعات با کمک به تقویت صلح، در
عین حال به استقرار يك نظام تازه اقتصادی و
اجتماعی بین‌المللی نیز کمک خواهند کرد.

«از برنامه میان مدت (۸۴-۱۹۷۷) یونسکو،
فصل دوم تقویت صلح»

جهان، بعمل آورد.

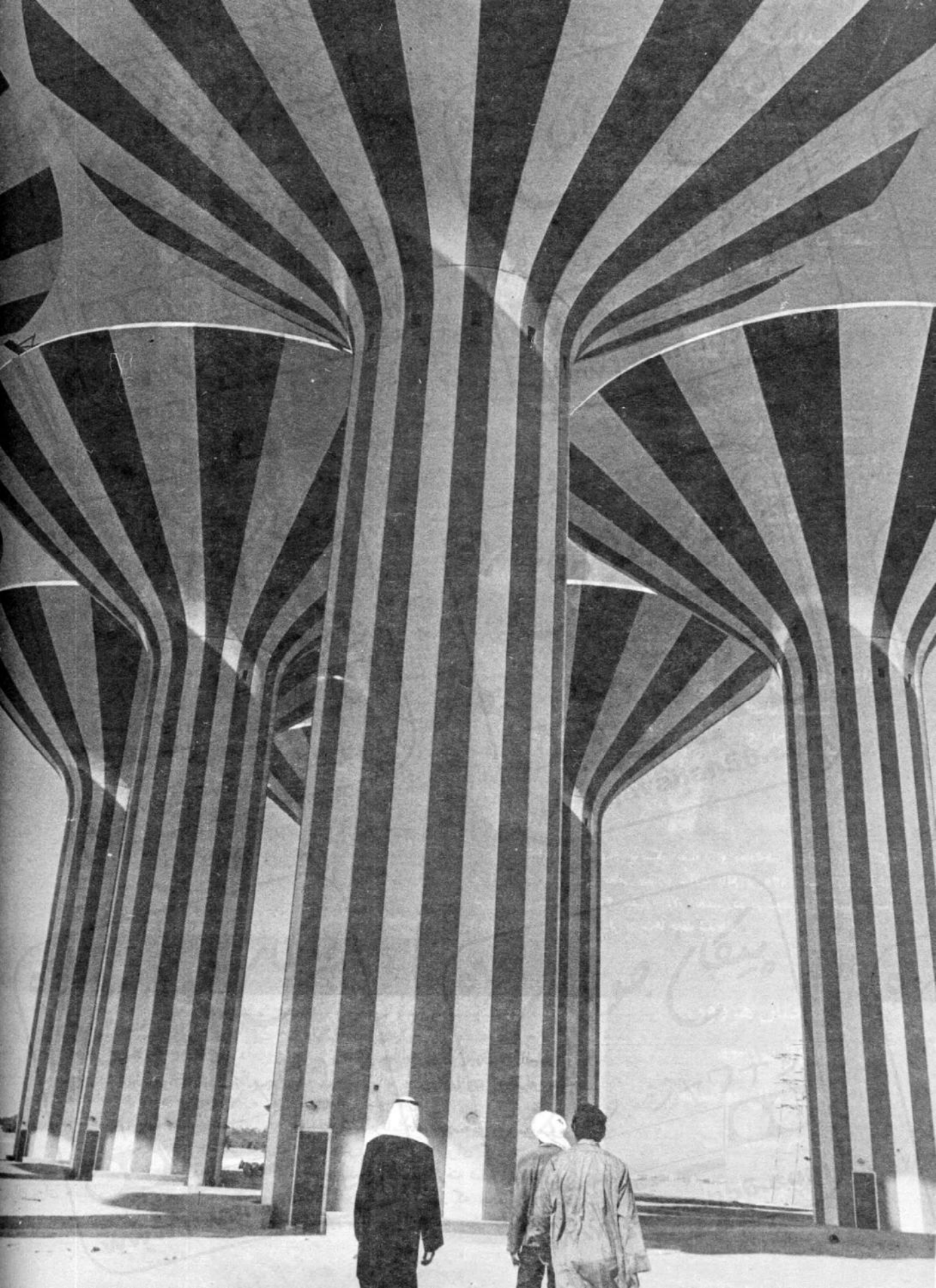
۲ پیشبرد مطالعه نقش حقوق بین‌المللی و
سازمانهای بین‌المللی در استقرار يك
نظام جهانی صلح آمیز.

۳ توسعه برنامه‌های مدرسه‌یی و غیرمدرسه‌یی
و نیز اطلاعاتی که برای گسترش صلح و
تفاهم بین‌المللی در نظر گرفته شده است.

باین ترتیب است که مجموع برنامه
یونسکو، مستقل از این سه هدف خاص، کمکی

بنابراین یونسکو سه هدف تمیز داده
است که به مسئله تقویت صلح، از سه راه
مختلف ولی مکمل، برخورد می‌کنند.

۱ پیشبرد تحقیقات در مورد صلح، به ویژه
در مورد تظاهرات تجاوز بصلح، علتهایی
که مانع تحقق آن می‌شود و راهها و وسائلی که
امکان حذف این علل را می‌دهد و اقداماتی که
می‌توان برای حفظ و تقویت يك صلح عادلانه،
پایدار و سازنده در سطح گروهها، جوامع و



علم و فن در خدمت انسان و جامعه

انجام می‌شود که سیاست علمی آنها هرچه باشد، از نظر اقتصادی از سایر کشورها پیشرفته‌ترند. اگر در نیرومندترین این کشورها، زمینه‌هایی از تحقیقات را در نظر بگیریم که بیشترین منابع را بخود اختصاص داده‌اند، مشاهده می‌کنیم که این زمینه‌ها در درجه اول مربوط به هدفهای نظامی، یا برنامه‌های بزرگی است که هدفشان بدست‌آوردن اعتبار و حیثیت، همراه با قدرت اقتصادی است (افزای هسته‌یی، فضا)، و در وهله دوم هدفهای اقتصادی قرار دارند (انفرماتیک، الکترونیک، ساختن کشتی و هواپیما).

بطور کلی، این کشورها، دارای ۱۰۰ یا ۳۰۰ دانشمند و مهندس در هر ۱۰,۰۰۰ جمعیت، یک بخش صنعتی پیشرفته، یک اقتصاد متنوع، و توسعه شهری زیادی هستند.

در نقطه مقابل آنها، در مورد اهمیت منابعی که وقف علوم می‌شود و در مورد امکانات توسعه، در حدود سی کشور قرار دارند که از عقب‌افتاده‌ترین کشورها هستند. در این کشورها که اقتصادشان بیشتر کشاورزی است، بطور کلی تعداد کارکنان علمی و فنی از چندصد

کمک می‌کنند، بنحوی کاملاً نابرابر بین‌ملتها توزیع شده‌اند. آنچه علم جدید خوانده می‌شود، ثمره کار معدودی گروههای علمی در معدودی از کشورهاست.

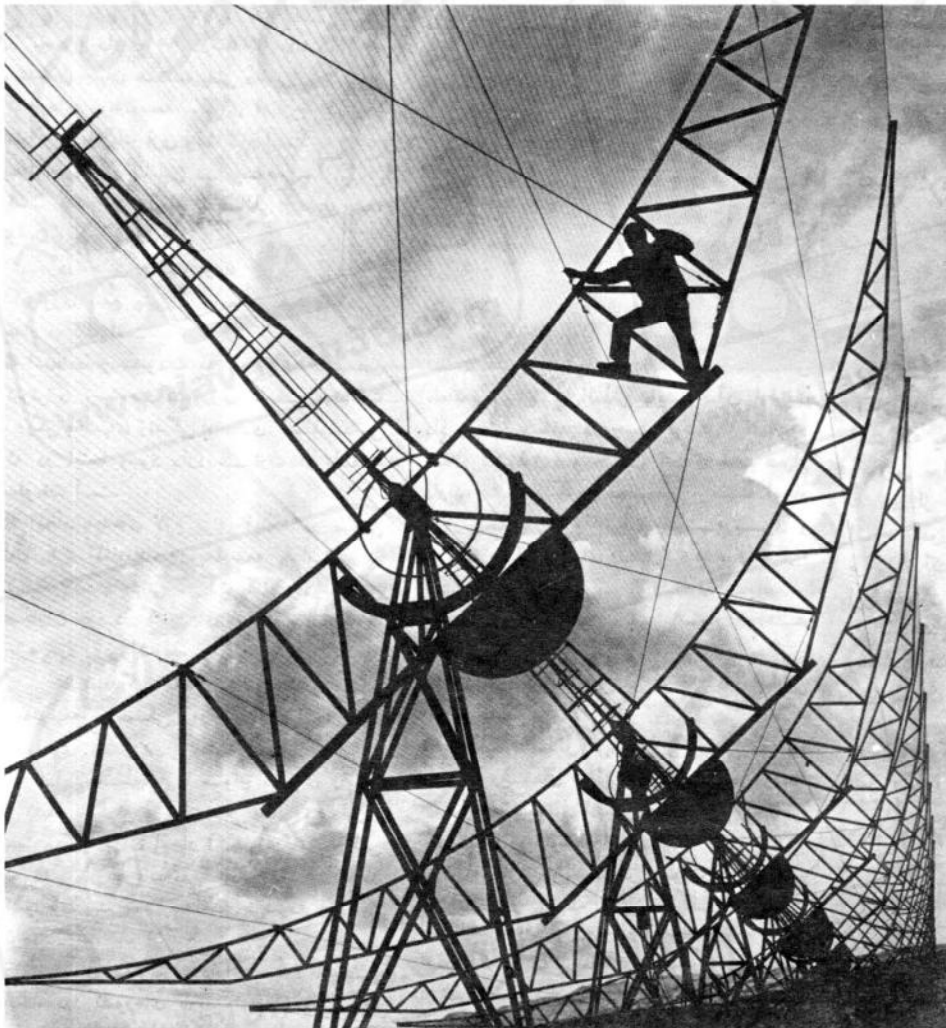
هم‌اکنون اکثریت عظیم کارهای تحقیقاتی (۹۵ درصد آن) هنوز در بیست و پنج کشوری

بعد سیاسی علم اینک آشکار شده‌است؛ این بعد نتیجه قدرتی است که دانش به افراد و گروهها و کشورهایی که آنها را اختیار دارند می‌دهد.

یکی از مشخصات موقع کنونی جهان آن است که فعالیت‌هایی که به توسعه معلومات

از گلبها تا ستارهها

کشورهای روبه توسعه بعلمت‌عقب‌ماندگی علمی و فنی خود روزبروز بیشتر به کشورهای صنعتی وابسته می‌شوند. انتقال تکنولوژی نا نا فنی و نامنتطقی بر شرایط این کشورها بوده است. بنابراین یونسکو برای حل این مشکل اساسی تمام وسائل را بکمک می‌گیرد، چه از طریق ترویج آموزش علمی مردم، چه بوسیله تنظیم سیاستهای علمی، و چه از راه تخفیفات عمیق در مورد ارتباط علم با جامعه. در عکس صفحه راست، قسمتهایی از مخازن آب در کویت دیده می‌شوند، در این کشور بر آب و غلف از این پس آب شیرین از طریق شیرین کردن آب شور دریا بدست می‌آید و از چشمه‌های آب شور فقط برای مصارف صنعتی استفاده می‌شود. در سمت چپ، آنتن رادیو-تلسکوپ رصدخانه یوروکان در ارمستان شوروی دیده می‌شود.



دانشمند و مهندس در هریک میلیون نفر از جمعیت تجاوز نمی‌کند، درصد بیسوادی در این کشورها هنوز خیلی زیاد، و تقاضا در زمینه علمی نسبتاً ضعیف است.

برای این کشورها، توسعه، اجباراً از طریق کاربرد نتایج علم بهمان صورتی که بر اثر تلاش کشورهای دیگر بوجود آمده، امکان‌پذیر است.

در مورد آنچه مربوط به آموزش نظری و عملی دانشمندان و مهندسان است، کشورهای روبه توسعه همین ضعف را دارند. تعداد متوسط افرادی که دارای درجات علمی دانشگاهی هستند، در هر صد هزار نفر جمعیت، در ۱۹۷۰، در آمریکای شمالی ۳۷ نفر، در اروپا ۱۳ نفر، در کشورهای عربی فقط ۳ نفر، در کشورهای آسیایی (با محاسبه ژاپن) ۲ نفر در آمریکای لاتین ۱/۴ نفر و در آفریقا ۲/۲ نفر بوده است. برآورد شده است که کشورهای صنعتی در مجموع دارای ۹۰ درصد از دانشمندان و مهندسان جهان هستند، یعنی ده برابر بیش از کشورهای روبه توسعه، و برای اصلاح این عدم تعادل حداقل یک قرن وقت لازم است. این عدم تعادل خود عدم تناسبی در مجموعه معلومات کسب شده در رابطه با مسائل، که مطرح‌اند، بوجود آورده است.

در چنین چشم‌اندازی، کاربرد علم و تکنولوژی بنبغ بشر و جامعه، مستلزم یک اقدام دوگانه است:

● استفاده از معلومات موجود برای حل مسائل کنونی در زمینه‌های کشاورزی، صنعت، ارتباطات و دیگر بخشهای زندگی اقتصادی. مسئله اساسی که در اینجا وجود دارد عبارت از «انتقال» معلومات است.

● ایجاد پایه‌های لازم برای اینکه در مدتی طولانی‌تر، کشورهای روبه توسعه بتوانند در گسترش علوم جهانی شرکت کنند و دوشادوش همکاران خود در کشورهای پیشرفته با مشکلات ویژه خود روبرو شوند.

عقب‌ماندگی علمی و فنی کشورهای روبه توسعه، وابستگی روزافزون آنها را به کشورهای صنعتی در پی داشته است.

این مسئله، فوراً سؤال دیگری را پیش می‌کشد: چگونه می‌توان به انتقال تکنولوژی دست زد، یا برای ایجاد تکنولوژی‌های مختلفی که ناشی از جریانهای عمده‌ی نباشد که در کشورهای پیشرفته‌تر مشاهده می‌شود، چه باید کرد؟

انتقال تکنولوژی دارای حدود معینی است. در کشورهای روبه توسعه، شرائط اقتصادی و اجتماعی، غالباً مفهومی از تکنولوژی

را تحمیل می‌کند (فراوانی نیروی انسانی، مصرف انرژی، استفاده از مواد اولیه) که با مفهوم رائج امروز کاملاً فرق دارد. در واقع ایجاد تکنولوژیهای «متفاوت» بیشتر مطرح است تا مطابقت دادن تکنولوژی‌های انتقال یافته.

در مورد انتقال تکنولوژی به کشورهای روبه توسعه، حداقل آنچه می‌توان گفت اینست که کوششهای انجام شده، در قالب برنامه‌های کمک و فروش شرکت‌های چند ملیتی، برای دادن تکنولوژیهای مشابه یا همسانی به کشورهای روبه توسعه، که بآنها امکان دهد در مسیری که کشورهای صنعتی پیروده‌اند، گام بردارند، تاکنون توفیق‌آمیز نبوده است. گسترش فاصله تکنولوژیک و وابستگی روزافزونی که این کوششها به دنبال داشته، برای تمامی طرفهای ذینفع بار دیگر، ناامیدی و یأس به همراه آورده است.

بدون انکار این واقعیت که در اختیار داشتن معجزات امروزی مصونیت‌های پزشکی، محصولات دارویی، دانه‌های معجزه‌آسا، کودهای مصنوعی مؤثر به مقدار بیشتر، و نیز وسائل روزافزون اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی، اثر بسیار زیادی در کشورهای روبه توسعه داشته است، بناچار باید پذیرفت که این کشورها تاوان بی‌عدالتی نظام اقتصادی بین‌المللی و نیز عدم کفایت خودشان را در انتخاب و مهار کردن تکنولوژیهای مربوط را می‌دهند.

در وهله اول لازم است، زمینه‌هایی از فعالیت علمی یا تحقیقاتی را که در مقیاس منطقه‌یی و یا بین‌المللی باید به آن اولویت داد و بطور مستقیم در جهت کوشش برای بهبود انتقال تکنولوژی و جریان انطباق آنها قرار دارند، مشخص کرد. بخصوص بر مسئله ایجاد ابزار تحلیل لازم برای برنامه‌ریزی و ارزشیابی تکنولوژیهای «منتقل شده» یا «مختلف» پافشاری خواهد شد. بهمین دلیل فعالیت یونسکو براساس بررسی جوانب زیر استوار خواهد بود:

● ارزیابی گرایشهای علمی و فنی در رابطه‌یی که با جامعه دارند؛

● تشخیص مسائل فرهنگی و اخلاقی که، پیشرفت رشته‌های علمی موجود، پیش می‌آورند؛

● مطالعه جنبه‌های انسانی علم و فن، که خاص کشورهای روبه توسعه است.

آموزش و بخصوص آموزش عالی و فنی در اینجا در مرحله اول قرار دارند. تمرکز امکانات ضعیف موجود روی معدودی مشکلات اصلی که با دقت تمام، در حساس‌ترین زمینه‌ها از نظر توسعه میان مدت انتخاب شده‌اند، مانند: آزمایش زمین و آب، کشاورزی، شکل‌های

ارزان قیمت نیرو کاملاً ضرور است و سیاست علمی این کشورها بطور عمده همین انتخابهای دقیق است.

چنین دلایلی باعث شد که یونسکو فعالیت خود را در راه ایجاد یک توسعه درون‌زا متمرکز کند که در بیشتر کشورهای روبه توسعه، با فنی دور دست‌تر رابطه دارد. باین منظور یک خط‌مشی کلی شامل چهار نکته در نظر گرفته شده است:

- ترویج آموزش علمی همه مردم؛
- کمک به تربیت کارکنان متخصص و ایجاد و بکارافتادن مؤسسات آموزش عالی، تحقیق و خدمات علمی و فنی؛
- تشویق به تهیه و تدوین سیاستهای توسعه علمی و فنی؛
- درک بهتر اثرات توسعه علمی و فنی بر جامعه.

در بسیاری از کشورها، اصلاح مثبت برنامه‌ها و روشها ضرورت دارد. این اصلاحات، غالباً باید همراه با افزایش زمانی باشد که در مدارس ابتدائی و متوسطه صرف‌علوم و تکنولوژی می‌شود، بطوری که بکودک فرصت داده شود با امکان موفقیت، به مطالعات پیشرفته در یک زمینه اختصاصی، علمی، یافتنی دست زند.

از سوی دیگر، در کشورهای رو به توسعه، دانشجویان علوم و تکنولوژی، طی‌گذران زندگی حرفه‌یی خود باید مسئولیتهای مستقیم یا غیر مستقیمی را در پیشرفت علمی و صنعتی کشورشان برعهده بگیرند.

بنابراین لازم خواهد بود که آنان را برای در نظر گرفتن اثرهای متقابل علم و جامعه نیز آماده کرد.

توسعه آموزش تکنولوژی در بسیاری از کشورهای روبه توسعه با مانع بزرگی برخورد کرده است و آن مقاومت منفی شاگردان و اولیاء ایشان در برابر کلاسهای کارهای دستی یا فنی است که به نظر ایشان در سطحی پایین‌تر از آموزش مواد نظری قرار دارند. بعلاوه در بسیاری از کشورها، آموزش فنی دختران به اندازه آموزش پسران پیشرفت نکرده است. برخی از کشورهای عضو، بنحوی توفیق‌آمیز با این مقاومت مبارزه می‌کنند، مثلاً به کمک اقدامات تبلیغاتی کاملاً حساب شده، از طریق وسائل ارتباط جمعی، برای گذراندن قانون اجباری شدن آموزش فنی.

(از برنامه میان‌مدت (۸۴-۱۹۷۷) یونسکو، فصل چهارم - علم و تکنولوژی)



توسعه برای انسان است، نه انسان برای توسعه... زیرا استفاده‌کننده توسعه کسی دیگری جز خود انسان نمی‌تواند بود. هدف نهائی رشد اقتصادی شکوفائی روحی و معنوی و همچنین مادی تمام افراد است. رسالت یونسکو که کانون اندیشه‌های انسانی و اخلاقی است، حمایت از تأیید هویت فرهنگی جوامع و افراد، بمعنای کامل انسانی آن است. سمت چپ، مادر، نال.

Photo M. Andraut, Paris

انسان محور توسعه

سطح زندگی و این امر مطمئناً بسیار اساسی است. ولی بهبود شرائط مادی به‌تنهایی برای ممکن ساختن نوعی زندگی انسانی که ارزش زیستن را داشته باشد، کافی نیست.

پس هدف توسعه باید پیشبرد همه نوع انسان در رابطه اجتماعی و در شکوفایی فردی‌اش، چه به‌لحاظ روحی و اخلاقی، و چه از نظر مادی باشد. نتیجه توسعه و اساس آن، باید شرکت روزافزون و آگاهانه‌تر فرد در زندگی اجتماعی باشد.

اصل انسان‌گرایی، راهبای توسعه را

همانک نهادها و رکنهای اجتماع، وهم پذیرش و جذب کامل افراد و گروه‌هاست. تعیین هدفهایی که باید جهت توسعه را معین کند اصل «انسان‌گرایی» است. انسان باید بهره‌گیرنده از این توسعه باشد. توسعه نباید تنها شامل وعده برای عدالت بیشتر اجتماعی باشد، بلکه لازم است در تمام طول منحنی خود، بنحوی مشخص و ملموس، اصل انصاف را تجسم بخشد.

بالاخره فایده توسعه باید عاید انسان و ابعاد زندگی او باشد. در وهله اول بالا رفتن

اگرچه توسعه اقتصادی بی‌چون و چرا بعنوان شرط لازم و یکی از عوامل اصلی توسعه شناخته شده است، ولی امروز هرکس می‌داند که این، همه مسئله نیست؛ می‌داند که توسعه اقتصادی فقط از پیشرفت اجتماعی که خود بوجود می‌آورد، معنی پیدا می‌کند، و بخصوص می‌داند که نمی‌تواند آن را به‌عنوان یکی از مراحل این پیشرفت، از بقیه مراحل جدا کرد. توسعه اقتصادی خارج از توسعه تمامی اجتماع، غیرقابل تصور است. این توسعه‌بستگی به‌شرکت فعال مردم دارد که خود مستلزم کار

آموزش يك نیاز جهانی

که فرد وسائلی در اختیار داشته باشد، در عین حال لازمه اش آنست که فرد از خود نیز سرمایه گذاری فکری، ایدئولوژیکی و یاروانی بکند، و این خود در بسیاری موارد مستلزم دست زدن به اقدام آزادی بخشی است که همان تأیید شخصیت خویش در جستجوی هویت فرهنگی است. در واقع آنچه از خلال شرکت انبوه افراد بیان می شود، در وهله اول احساس تعلق بیک فرهنگ و به جامعه یی است که این فرهنگ ناشی از آنست.

حتی هنگامی که این فرهنگ، وابسته بفرهنگهای دیگری است، خصوصیتی دارد که همان کاربرد هویت آن است. این امر که در مورد تمام کشورها صدق می کند، در جاهایی روشن تر است که هویت فرهنگی، بعنوان بیان و تظاهر حیثیت مردمانی که تا دیروز تحت سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانه بودند، طنین محکمتری دارد. به این ترتیب است که دسترسی بفرهنگ بصورت مشارکت درمی آید.

از نقطه نظر فردی، دسترسی و مشارکت در زندگی فرهنگی می تواند عاملی برای سازندگی، نوآوری، کاوش و بیان آرا و عقاید خویش باشد و در نتیجه، به اشکال تازه یی از هنر بینجامد که تاکنون بفکر کسی خطور نکرده است.

شرکت فعال توده ها در زندگی فرهنگی مستلزم اجرای سیاستهای راهگشایی است که اقدام فرهنگی و انواع مختلف فعالیتهایی را که در دیگر بخشها به تحقق هدفهای مورد نظر مدد می رساند، یکپارچه کند.

سیاستهای راهگشا مربوط به سه بخش است که در آنها دخالت مقامات عمومی می تواند به اقدامی زرق کمر کند که آثار آن بخصوص در میان مدت و بلندمدت بروز خواهد کرد: آموزش، ارتباطات، ترویج کتاب.

این تصمیمات در کشورهای عضو، آگاهی تدریجی به خصلت کلی توسعه و بعد فرهنگی آن را نشان می دهد و معلوم می کند که دلائل حقیقی عدم تعادلی که امروزه دنیا با آن دست یگریبان است، همانقدر نتیجه بحران ارزشهاست که نتیجه بحران اقتصادی؛ و بالاخره این جستجوی ارزشها، اقدامی فرهنگی است که به وسیله آن انسان، از طریق ارتباط، سازندگی و خودسازی، و با دادن معنایی خاص و غلظتی به زندگی که همانقدر - و شاید بیشتر - به مقوله «بودن» تعلق دارد که به مقوله «داشتن»، حیثیت ذاتی و برابری اش را با همگان، معلوم می دارد.

«از برنامه میان مدت (۸۴-۱۹۷۷) یونسکو فصل سوم، انسان به عنوان محور توسعه»

مشخص می کند. هر چند انسان باید بعنوان غایت و بهره گیرنده توسعه تلقی شود. ولی در وهله اول عامل آن است.

برای روشن کردن معنای انسان گرایانه توسعه، هم چنین لازم است زمینه بین المللی را که توسعه درون آن قرار می گیرد و تا حد زیادی شرائط آن را تعیین می کند، در نظر گرفت.

بنظر بعضی نمی بایست برای تصمیم جامعه بین المللی در راه فعالیت مشترک بخاطر استقرار یک نظام جدید اقتصادی در سطح جهانی اهمیت زیادی قائل شد.

علاوه بر رشد لازم، وسائلی که کشورهای روبه توسعه می توانند در اختیار داشته باشند، آنچه نظام جدید اقتصادی بین المللی نوید می دهد و آنچه طلب می کند آنست که هر کشور اختیار تصمیم گیری و سرنوشت خود را داشته باشد و به معنای عمیق کلمه مستقل باشد و حیثیت و اعتبار جمع و اعضای آن تأمین شود. نتیجه آن برای هر کشور، نوید و الزام یک زندگی اقتصادی و اجتماعی سالم و آزادی است که بتواند همبستگی بیشتری داشته باشد و توانایی های خود را در یک تلاش مستقل برای توسعه، بر حسب انگیزه ها و خواسته های آزادانه اش، تحقق بخشد.

ازین رو است که این نظام جدید بین المللی باید نه تنها بعنوان یک نظام اقتصادی بلکه بعنوان نظامی اجتماعی و اخلاقی نیز تلقی شود. یونسکو، در کار توضیح دادن و روشن کردن و تحقق بخشیدن که باید انجام دهد، نقش بسیار مهم و بی جانشینی که از بسیاری جهات اساسی است برعهده دارد. یونسکو بعنوان نهادی که مسئول رشد و غنای تمامی علوم است و بعنوان تنها دستگاهی که امکان شرکت در برنامه های بزرگ همکاری فکری را دارد و باین ترتیب دسترسی بذخائر جهانی علوم و اطلاعات علمی را ممکن می سازد، بطور منطقی باید بعنوان نقطه تقارب و عامل تسهیل کننده یی در راه ایجاد زیربنای علوم اجتماعی و پیشبرد و توسعه یک علم اجتماعی که عناصر ملی و بین المللی یک رشته یی و چند رشته یی را در بر داشته باشد، تلقی شود.

پس یونسکو رسالت دارد، بنام منظومه ملل متحد، نقش تلفیق کننده را بازی کند. بالاخره، از آنجا که در مورد زندگی فکری وظیفه یی بسیار کلی برعهده آنست، یونسکو باید نقش کانونی را برای تفکرات انسان گرایانه و اخلاقی، و فزاینده تر شدن ملاحظات فنی صرف، در نظر گرفتن مسائل رشد و توسعه در معنای انسانی خود، ایفاء کند.

فعالیت فرهنگی را نمی توان فقط محدود به پیش ساده فرهنگ کرد یا دسترسی بفرهنگ را تنها به دسترسی با آثار فرهنگی خلاصه نمود. زیرا اگر دسترسی بفرهنگ مستلزم آنست

در زمینه آموزش هر نوع تغییر عمیق، در وهله اول تغییری در ساختهاست. مدتهای دراز فکر آموزشی مشترک برای همگان، هنوز شکل نگرفته بود و دسترسی به آموزش فقط محدود بگروه کوچکی از افراد بود.

بر اثر تحولی که طی چند دهه اخیر سرعت قابل ملاحظه یی پیدا کرده، آموزش عاملی برای پیشرفت و توسعه و در عین حال به عنوان حقوق اساسی بشر تلقی شده است.

ولی امکان دستیابی گسترده تر به آموزش تنها شرط لازم برای دسترسی همگانی و یکسان به آموزش (دموکراتیزاسیون) نیست؛ برابری فرصت های موفقیت نیز ضرورت دارد و مستلزم آن

از امسال تا ۱۹۸۵؛ برای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، ۱۴ میلیون آموزگار باید تربیت کرد (یعنی ۳ میلیون بیش از سال ۱۹۷۷). آموزش به عنوان عامل توسعه، برای یونسکو همچنان يك زمینه ممتاز باقی مانده است، بخصوص در کشورهای رو به توسعه. در چشم اندازی بین المللی است که باید ساختارهای آموزشی را بوجود آورد و کمک آن انسانهای فردا را تعلیم داد. در عکس پایین يك کلاس خردسالان در دبیرستان مالالایی در کابل (افغانستان) دیده می شود. این دبیرستان در ۱۹۴۱ تأسیس شده است و امروزه بیش از ۴۰۰۰ شاگرد دارد، از کلاسهای کودکان گرفته تا دبیرم.

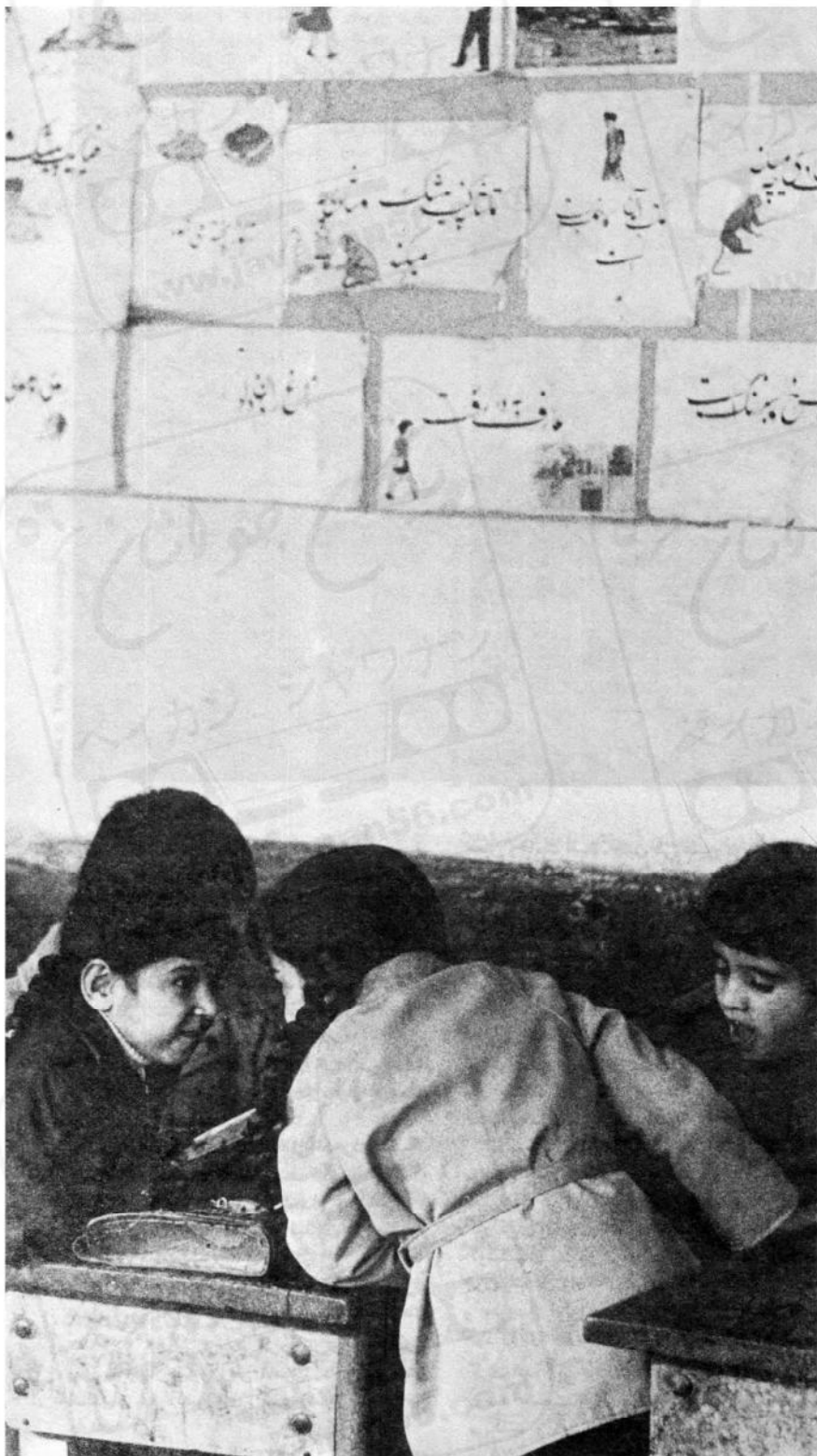


Photo Laurence Brun, Paris

است که آموزش بر مشخصات گروههای مختلف منطبق گردد.

در زمانی که تنوع شکلهای آموزش افزایش می یابد، لزوم يك تجربه آموزشی مشترك برای همه، یا به هر حال آموزشی با کیفیت برابر برای همگان، بعنوان یکی از شرائط دموکراسی، احساس می شود.

سیاستهای آموزشی، که در آغاز محدود بچند اصل راهنما می شدند، اینک گرایش دارند هدفهای خود را بطور منظم در محیط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ادغام کنند.

یونسکو به تحول این مفاهیم کمک کرده است. از مرحله اول یا مرحله فعالیتهای پراکنده، اینک به مرحله تعیین هدفهای روشنتر در این زمینه رسیده ایم. حال در این مرحله، آموزش به عنوان جزء جدایی ناپذیر جریان توسعه اجتماعی - اقتصادی تلقی می شود. تلاش زیادی بعمل آمده تا لزوم طرح و بیان منظم سیاستهای آموزشی در هر کشور، براساس اصل خودبستگی، یاد آوری گردد.

کمک یونسکو در درجه اول، بیشتر به کشورهای کم رشدتر و کشورهای تعلق خواهد گرفت که در انجام اصلاحات اساسی، به ویژه هدفشان متوجه بهبود و آموزش گروههایی است که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی محروم اند.

اساس خواست جهانی آموزشی که پاسخگوی نیازهای زمان ما باشد، اصلاح محتویات و روشهای آموزشی است. اما اجرای آنها با مشکلات خاصی برخورد می کند.

بدیهی ترین آنها، تغییر میدان شناختها بهمان نسبتی است که علوم و فنون پیشرفت می کنند.

در مرتبه دوم وظایفی که از این پس، جهانی در حال تحول فنی و اجتماعی (و بهیچ شک اخلاقی) برعهده آموزش گذارده است، در ارتباط با هدفهای غائی جدید، بویژه جستجوی يك نظام جدید جهانی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و فرهنگی، است.

بعلاوه استفاده کنندگان از نظامهای آموزشی انتظار دارند که محتویات و روشها کمتر نظری بوده و بیشتر با محیط سازگار باشند و بطور عمیق تری در زبانهای ملی یا مادری ریشه داشته باشند.

از اینهم بالاتر، آنان از آموزش انتظار دارند که پنحوی آگاهانه بسوی زندگی روداشته باشد و بتواند کودک، نوجوان و یا بزرگسال را برای درک دنیایی که در آن زندگی می کند و یا خواهد کرد، و نیز برای تغییر دادن آن یاری دهد.

کتابهای درسی باید دیگر براساس محتویاتی که مربوط به ارزشهای فرهنگی و قومی دیگر، و حتی مربوط به شرائط طبیعی و انسانی دیگری است، که با ارزشهای کشورهای که این کودکان و نوجوانان در آن زندگی می کنند

کافی نیست که در مدرسه بروی همه باز باشد. آموزش باید با سنت‌های فرهنگی و محیط اقتصادی و اجتماعی سازگار باشد، آموزش باید در زبان مادری و یا ملی ریشه داشته باشد. ولی در سراسر جهان، بسیاری از مدارس در کمال تهی‌دستی، موجودیت خود را به‌رقیمت که شده حفظ می‌کنند. کمبود کتاب، میز و صندلی، وسایل تحصیلی مثل این مدرسه روستایی در نازاریا (سمت چپ)، جایی که باوجود تمام این کمبودها، «جریان می‌گذرد» و این مسئله را می‌توان از توجه شاگردان و جدی‌بودن معلم آنان درک کرد. عکس سمت چپ، چراغی‌های کوچک روغنی را در «دیوالی» نشان می‌دهد که یک شب پائیزی را روشن کرده‌اند: در چنین شبی در سراسر هند جشن نورها، با هماهنگی زنده با یکی از باستانی‌ترین فرهنگها، برگزار می‌شود.

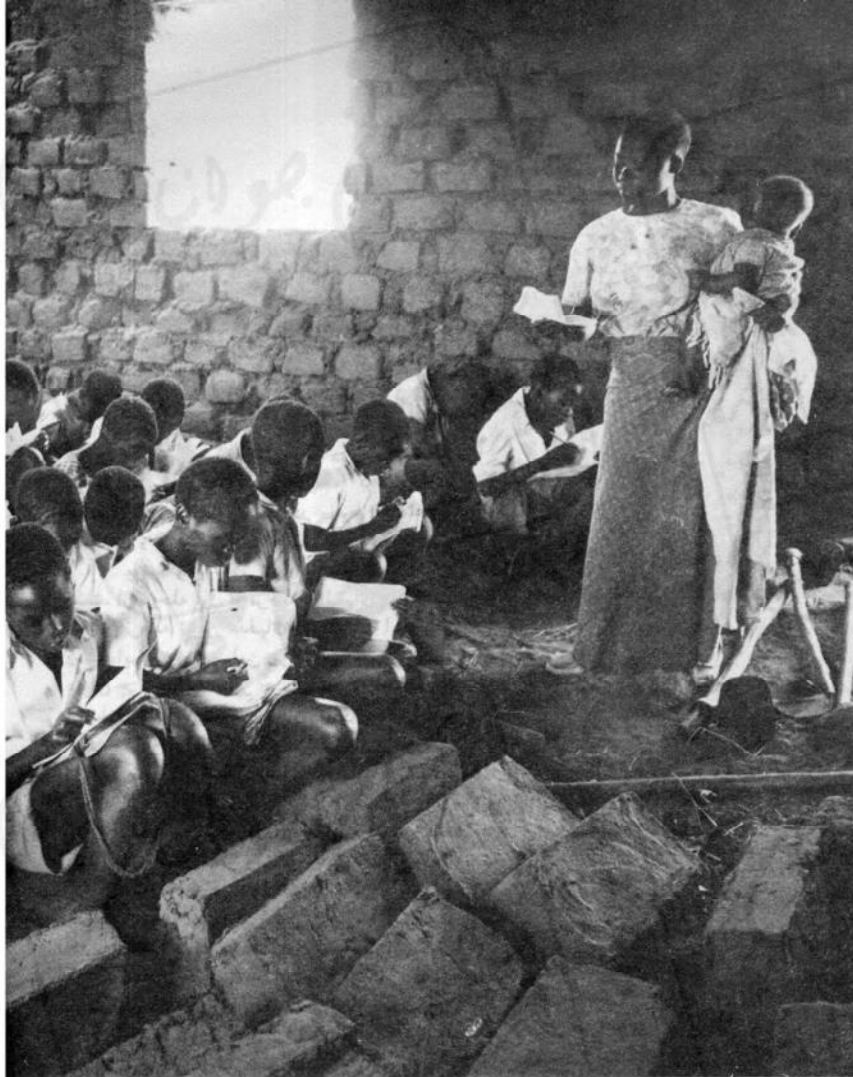


Photo Jasper Kirkness, Copenhagen

اگر آموزش عالی در دسترس جمعیت‌های روستایی قرار گیرد، تضمین توسعه یکپارچه روستایی بسیار آسانتر خواهد بود.

آموزش عالی را نمی‌توان محدود به‌رفع نیازهای یک گروه سنی خاص دانست و باید رسالت آنرا به سراسر جامعه تعمیم داد. پس بنظر می‌رسد که دسترسی همگانی و یکسان به آموزش، شرط لازم و یک هدف مهم برای مشارکت امر آموزش عالی در پیشرفت جامعه و رشد انسان، تلقی می‌شود.

بهین منظور در ۱۹۷۲ دانشگاه ملل متحد در توکیو (ژاپن) تأسیس شد. وظیفه این دانشگاه آن است که از دیدگاه رشته‌های مختلف، مسائل فوری مربوط به بقاء رشد و رفاه بشریت را بررسی کند.

خصوصیت دیگر تحول در حال انجام آنست که ملاحظه می‌شود، نظامهای آموزشی بی‌بوجود می‌آیند که از خدمات انواع مختلف آموزگاران متخصص، و نیز معلمان نیمه وقتی که در بخشهای تولید و مدیریت تجربه‌ی عملی بدست آورده‌اند، استفاده می‌کنند. این گرایش از طریق کشودن هرچه بیشتر آموزش بروی جامعه توجیه می‌شود.

همین وخامت است. چون طی همین دوره، افزایش متوسط سالانه کارکنان آموزشی متوسطه نیز باید به ۳/۹ درصد در آسیا و ۶/۱ درصد در آمریکای لاتین و ۶/۴ درصد در آفریقا برسد. پس باید در سالهای آینده منتظر بود که بحران استخدام، که هنوز در بسیاری از کشورهای روبه‌توسعه حاد است، همچنان باقی بماند، و حتی در جاهایی که گسترش جمعیت و افزایش سریع تعداد کودکان مدرسه رو در دوره ابتدائی، نیاز به معلم را بیشتر خواهد کرد، این بحران حدت بیشتری نیز پیدا کند.

مؤسسات آموزش عالی در اکثر کشورها، موجب ایجاد شکافی از یک طرف میان جمعیت شهرنشین و روستایی و از طرف دیگر میان کارگران یدی و فکری شده است. با همه کوششهای مداوم برای در نظر گرفتن «جامعه چون یک کل واحد»، حتی در صنعتی‌ترین کشورها، و بطریق اولی در کشورهایی که الگوی کار خود را از قدرت‌های سابق استعماری به عاریت گرفته‌اند، این فاصله از بین نرفته است. ۶۱/۲ درصد جمعیت جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و این نسبت در کشورهای روبه‌توسعه از ۷۵ درصد می‌گذرد.

◀ فرق دارند، استوار نباشند و هدفشان تسهیل کارآموزی و ادغام آنان در محیط خانوادگی و اجتماعی باشد.

بطور کلی، یونسکو می‌کوشد که فعالیت‌های کشورهای عضو را برانگیزد و به آنها جهت دهد، و در عین حال نقاط ضعف را در چشم‌اندازی بین‌المللی، بخصوص در ارتباط با نیازهای خاص کشورهای روبه‌توسعه مشخص کند.

در اکثریت عظیم موارد، به‌رغم تمام تلاشهای انجام شده طی دهه اخیر، نیاز به معلم، هنوز بسیار زیاد است.

در مورد تعلیمات ابتدائی، اجرای تعلیمات همگانی در ۱۹۸۵، در سه منطقه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، مستلزم استخدام بیش از ۱۲ میلیون نفر آموزگار، یعنی ۳ میلیون نفر بیش از سال ۱۹۷۷ است.

با توجه بمجموعه نیازهای جهانی بالقوه، تعداد آموزگاران را که باید در فاصله سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۲ تربیت کرد، می‌توان به‌رقمی بیش از چهار میلیون نفر تخمین زد که بخش اعظمشان به کشورهای کم رشد اختصاص دارند.

در مورد تعلیمات متوسطه نیز وضع به

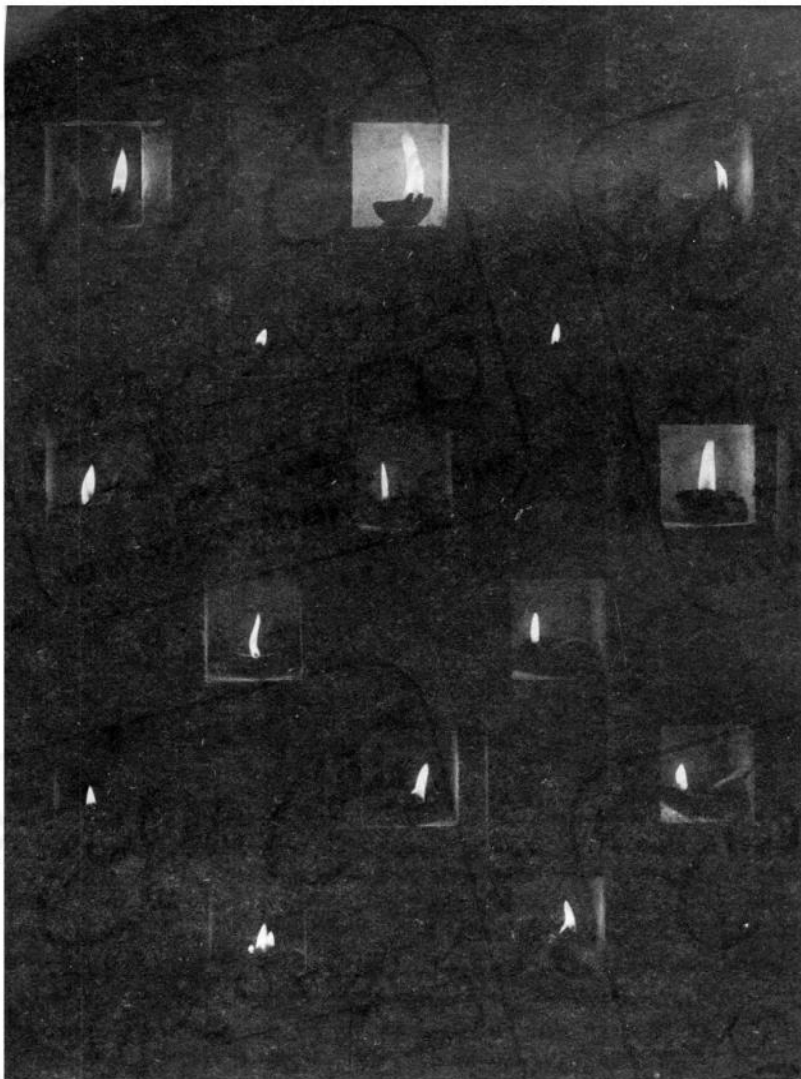


Photo © Tony Russell, Jamaica

در مرحله دوم، بکار گرفتن فنون خاص، مانند رادیو، تلویزیون و روشهای مختلف سمعی و بصری، سبب می‌شود که از مهارت تکنیسین‌ها و حتی مهندسانی استفاده شود که حاضرند شناخت عملی خود را در اختیار امر آموزش بگذارند.

تربیت مربیان در آموزشی که به آنان می‌دهند، منعکس است. بنابراین اثرات این آموزش در زندگی فعال شاگردانشان ادامه پیدا خواهد کرد، به‌طوری که نوجوانان ابتدای قرن بیست و یکم تحت نظر آموزگارانی قرار خواهند داشت که در چند سال آینده تربیت می‌شوند. سه اصل، فعالیت یونسکو را در این زمینه هدایت می‌کند.

● دادن نقش پر معنایی به تربیت کارکنان، در نوآوری‌های آموزشی.

● در وهله دوم، کمک به تهیه و تدوین سیاست و طرحهای یکپارچه، تربیت مداوم تمام گروههای کارکنان آموزشی.

● اصل سوم مربوط به استفاده از تجربه‌های عملی است که در مورد تربیت معلمان در قالب تحولات آموزشی بدست آمده و این تحولات در کشورهای مختلف ادامه دارند.

افزایش تقاضای آموزش با طولانی‌تر شدن روند آموزشی همراه است. اما، مسئله ادامه بی‌پایان مدت تحصیل مطرح نیست. مفهوم آموزش مداوم آن است که یک بزرگسال، در لحظات مختلف زندگی و در چهارچوب تجربه‌های گوناگون خود، بتواند از تمام امکاناتی که باو داده شده است، استفاده کند.

فعالیت یونسکو در این زمینه، در سه سطح انجام می‌گیرد.

● یونسکو سعی می‌کند در توسعه پاره‌یی از عناصر نظامهای آموزشی (سوادآموزی، آموزش بزرگسالان، و غیره) بکشورهای عضو کمک کند.

● در تدوین و پروراندن مفهوم آموزش مداوم بطور قابل ملاحظه‌یی مشارکت می‌کند.

● و بالاخره، یونسکو طی چند سال اخیر، بمطالعه برخی از مسائل خاص در مورد باز سازی نظامهای آموزشی دست زده است.

در وضع فعلی، در کشورهای مختلف در مورد لزوم ترویج و تشدید آموزش و تربیت مداوم بزرگسالان، طبق شیوه‌هایی که با گوناگونی موقعیت‌ها مطابقت داشته باشد، توافق وسیعی از نظر اصولی وجود دارد.

آموزش بزرگسالان یکی از عناصر درونی نظامهای آموزشی است که در چشم‌انداز آموزش مداوم در نظر گرفته شده‌اند. با تضمین آموزش پدران و مادران امروز و فردا، آموزش بزرگسالان محیط مساعدی برای آموزش کودکان بوجود می‌آورد و بدین لحاظ، در رابطه با آموزش خردسالان نقش مکملی بازی می‌کند.

آموزش بزرگسالان را، که اساساً

فعالیتی چند رشته‌یی است، می‌توان بعنوان مجموعه‌یی از فعالیتهای مربوط به هدفهای مختلف زیر در نظر گرفت، بویژه:

- تشدید مبارزه با بیسوادی؛
- افزایش کارآیی حرفه‌یی؛
- درک مسائل بزرگ جامعه ملی و بین‌المللی؛
- دستیابی به دانشهای عملی در زمینه‌های بهداشت، تغذیه، آموزش کودکان، مصرف و غیره.

(از برنامه میان مدت (۸۳-۱۹۷۷)

یونسکو، فصل پنجم، عمل آموزشی)

فرصت‌های برابر برای همه

ترتیب، در ۷۵ کشور کم رشد، ۹۰ درصد جمعیت آنها را روستاییان تشکیل می‌دهند، مصرف سالانه کاغذ روزنامه، از ۱٪ کیلو برای حرف‌ر تجاویز نمی‌کند. در میان دوسوم این جمعیت، برای هرچهل نفر فقط یک دستگاه رادیو وجود دارد.

جمعیت روستایی که غالباً بی‌سواد، غیر متشکل، فقیر و برخی مواقع بی‌اطلاع از زبان مرسوم اداری است، برای حل مسائل خود، درون ساختهای از اجتماع که از طرف آنان خوب درک نمی‌شوند و حتی ایشان را نفی می‌کنند، خود را در وضع فروستی احساس می‌کنند. در چنین متنی امکان دارد که محیط روستایی گرایش پیدا کند که در خود فروبرد و در برابر تغییرات مقاومت ورزد.

تجربه نشان داده است که روستائیان می‌توانند، قدرت تولیدی پنهانی خویش را در خدمت توسعه خود بکار اندازند، و اگر برایشان روشنتر شود که نفع تلاشهایشان بخودشان برخواهد گشت، بی‌شبه این کار را بهتر انجام خواهند داد.

تحقیق در زمینه‌های کشاورزی، بوم‌شناسی، آبشناسی، و ایجاد فنون خاص توسعه صنایع کوچک در محیط روستایی، در عداد اولویت‌ها جای دارند.

عقب‌ماندگی مناطق روستایی در زمینه آموزش و نیازهای توسعه، باعث لزوم گسترش آموزش خارج از مدرسه می‌شود، چه در مورد تربیت کشاورزان، یا صنعتگران باشد، چه برنامه‌های خارج از مدرسه و ویژه زنان و جوانان، چه برنامه‌های آموزشی رادیویی و تلویزیونی. روشهای غیرمدرسه‌ای بنحوی خاص برای آموزش کشاورزان مناسب است و تجربه نشان داده است که این آموزش در صورتی مؤثر می‌تواند بود که برکارهای عملی تکیه کند. و اما در مورد شرکت زنان در آموزش و پرورش، بدیهی است که برای مؤثر بودن، باید با اقدام در پارگی از جوانب خود امر آموزش همراه باشد. بدین معنی که باید در طرحهای مطالعاتی و قواعد آموزشی و برنامه‌ها تجدید نظر کرد، بنحوی که هر نوع اختلاف براساس تبعیض میان زن و مرد، از آن حذف شود؛ باید توجه کرد که در کتابهای درسی و دیگر مواد تحصیلی، تصویری مثبت از زن نقش او در جامعه ارائه شود تا از تکرار تصاویر قالبی و افکار پیش ساخته‌ای که خود تا حد زیادی منشأ نابرابری موجودند، پرهیز شود.

در محیط روستایی است که محرومترین گروههای جوانان وجود دارند، در بیشتر موارد،

شده است. بنظر می‌رسد که گاه فعالیت‌های سوادآموزی، قادر به فراتر رفتن از مرحله تجربی، و حتی تمثیلی (سمبلیک) نیستند.

بعلاوه ملاحظه می‌شود که برنامه‌های سوادآموزی، هرچند که قشرهای نسبتاً مهمی از بی‌سوادان را دربر گرفته‌اند، فقط به اقتضای لزوم فوری تربیت کارگران نیمه‌ماهر طراحی شده‌اند، نه بادر نظر گرفتن عوامل اجتماعی.

حتی در مواردی هم که برنامه‌هایی وجود دارد، موانع موجود غلبه‌ناپذیر بنظر می‌رسند، مثلاً کمبود منابع انسانی و مادی، ساختهای اجتماعی نخه‌گرایی که بنفع اقلیتهاست؛ نارسایی ارتباطات و حمل نقل؛ تعدد زبان، کمبود مواد نوشته، و غیره... ولی مانع مهم احتمالاً کمبود محیط سواد است.

فعالیت سوادآموزی برای این واقعیت استوار است، که تغییرات عینی ناشی از هر نوع جریان توسعه، فقط زمانی امکان‌پذیر است که بتوان از آستانه ارتباط شفاهی پیشتر رفت. اما سوادآموزی فقط یکی از مراحل در روند آموزشی است. چنین فعالیتی وقتی معنی پیدا می‌کند که بتواند به فعالیت‌های بعدی چنانکه پاسخگوی اصول آموزش مداوم باشند، بینجامد. فعالیت‌های یونسکو باید با آگاهی کامل به ابعاد اخلاقی، اجتماعی - اقتصادی و آموزشی این سوادآموزی در نظر گرفته و هدایت شود.

بیش از ۱۳۰ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله‌ای که بمدرسه نمی‌روند و اکثریت ۸۰۰ میلیون بی‌سواد بزرگسال را روستاییان تشکیل می‌دهند. سطح نازل تعلیم این افراد در اغلب موارد مانع از آن است که بتوانند از پیشرفت‌های علمی و فنی استفاده کنند.

از این وضع، دو نتیجه بدست می‌آید که هر دو به یک اندازه مضرند. از یک سو، بعلت هدایت نشدن از طریق ابتدائی‌ترین اطلاعات علمی، کشاورزان، اغلب اوقات از زمین و آب و محصول بطریقی غیر عقلانی استفاده می‌کنند و این امر ممکن است باعث از هم گسیختگی اکوسیستم‌ها و کاهش باروری و حاصلخیزی و حتی رها کردن زمین‌ها شود.

از طرف دیگر، بکاربردن فنون پیشرفته که باندازه کافی با شرایط محلی مطابقت ندارند نیز می‌تواند به انحطاط بنیادهای فیزیکی زندگی روستایی کمک کند.

انزوای جهان روستایی به سبب دور افتادگی و کمبود زیربنای حمل و نقل، و همچنین به علت ناکافی بودن وسائل کسب اطلاع و خبر، روز بروز شدیدتر می‌شود. باین

برخی از گروههای اجتماعی، کمتر از دیگر گروهها امکان تحقق بخشیدن به تواناییهای بالقوه فردی و اجتماعی خود را دارند: روستائیان بی‌سواد، زنان و دختران، جوانان، سالخوردگان و غیره...

این گروهها به وضع کلی خود یعنی ارضا نشدن مزمن نیازهای حیاتی خود و مشارکت بسیار محدود و حتی عدم مشارکتشان در زندگی مجموعه اجتماعی مشخص می‌شوند.

این دور باطل را نمی‌توان از خارج و فقط تحت تأثیر فعالیتهای بین‌المللی شکست؛ زیرا در وهله اول، برعهده خود کشورهای عضو است که سیاستهای مورد نظرشان را تعیین کنند.

● از میان بردن بی‌سواد، بدون تلاش خود مردم و سازمانهای عمومی ممکن نیست.

● توسعه یکپارچه مناطق روستایی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن توسعه منطقه‌ای و کشوری، از جمله توسعه مراکز شهری، برنامه‌ریزی کرد.

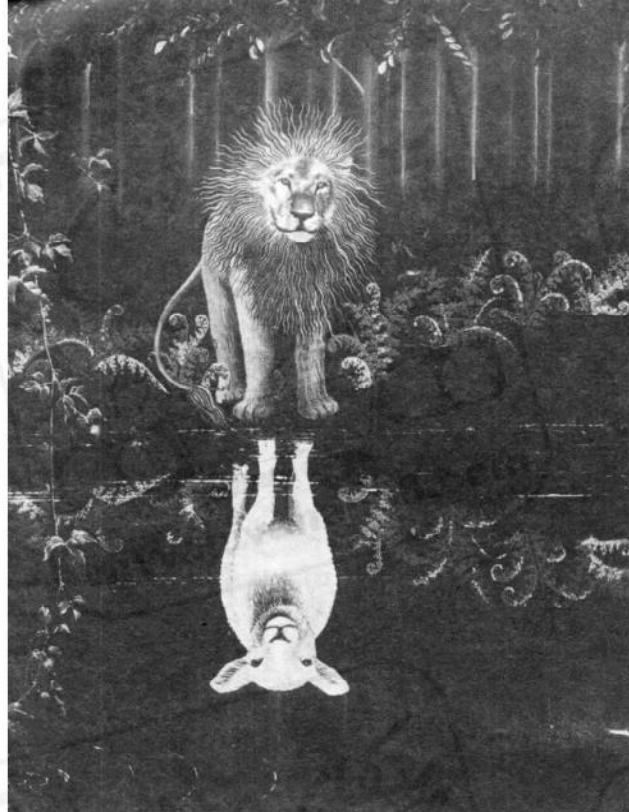
● شرایط زندگی زنان را، تا وقتی که علل و عوامل تعیین‌کننده این شرایط همچنان موجود باشند نمی‌توان تغییر داد.

● بالاخره، به توسعه‌ای کلی بمنظور از میان بردن چنین نابرابری‌هایی نمی‌توان رسید مگر آنکه گروههای مختلف جوانان در برانگیختن عمل اجتماعی، آموزشی و فرهنگی شرکت داشته باشند.

بی‌سواد و فقر وابسته بیکدیگرند. در بیست و پنج کشور عقب‌افتاده‌ای که در آمد سرانه آنها به صد دلار در سال نمی‌رسد، میزان بی‌سواد از ۸۰ درصد هم می‌گذرد. بعلاوه، نسبت زنان در میان بی‌سوادان روز بروز بیشتر می‌شود: ۵۸٪ در ۱۹۵۰ و ۶۰٪ در ۱۹۷۰. اگر گرایشهای دوده اخیر تا افق ۱۹۸۵ حفظ شود، فقط کمتر از ۳۰٪ از کودکان شش تا یازده ساله در ۲۵ کشور عقب‌افتاده، بمدرسه خواهند رفت.

مشکل بی‌سوادى جنبه دیگری هم دربر دارد: بی‌سوادى نتیجه نابرابریهای سیاسی و اجتماعی است، و حتی خود یکی از عوامل نابرابری است. بعد از نابرابریهای ناشی از نظام استعماری، هنوز موقعیهای اجتماعی - اقتصادی وجود دارند (اقتصاد بخورونمیر یا مبارله جنس به جنس، حاشیه نشینی و غیره...) که در آنها انگیزه‌ای برای باسواد شدن موجود نیست.

تاخیر در پذیرش یا اجرای اصلاحات ارضی، باعث تضعیف انگیزه بزرگسالان بی‌سواد



Painture Heather Cooper, Toronto

از بهشت گمشده تا بهشت بازیافته

بنا به افسانه عصر طلایی، اگر شیر در آب زلال تصویر خود را بشکل بره و بره تصویر خود را بشکل شیر می‌بیند، انسانها می‌توانند در انسانهای دیگر، تصویر برادری را باز یابند. از میان برداشتن نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی که با نگهداشتن برخی از گروهها در جهل و بیسودی، باعث کنار گذاشتن آنها می‌شوند، می‌تواند بالاخره چنین احساسی را برانگیزد.

اجتماعی ظهور می‌کنند. در اینمورد یونسکو پیشنهاد می‌کند:

- ۱ برنامه‌های سوادآموزی با شرایط محلی تطبیق داده شوند و پیوند آنها با زندگی روزمره به گسترده‌ترین وجه ممکن در نظر گرفته شود و در راه این هدف، جامعه بنحوی فعال و مداوم بسیج شود؛
- ۲ برنامه‌های توسعه روستایی براساس یکپارچگی قدومین گردد بطرقی که نابرابریهای موجود از میان برخیزد؛
- ۳ اعمال تمیض گرایانه‌یی که زنان در زمینه‌های آموزش، علم، فرهنگ و اطلاعات با آن مواجهند افشا گردد و ترقیبی داده شود که خود زنان برای بهبود وضعیتشان کوشش کنند؛
- ۴ مشارکت وادغام جوانان در خط مشی‌های توسعه تسهیل گردد و با آنان امکان داده شود که نظریاتشان را در مورد جامعه و در باره خود بیان دارند.

(از برنامه میان‌مدت (۸۳-۱۹۷۷) یونسکو، فصل ششم، بهبود امکانات برخی از گروهها).

بکار می‌برد. جوانان با تصمیم خودمینی بر متعبدشدن در این زمینه‌ها و از طریق سرمشقی از اندیشه و فعالیت که بوسیله سازمانهای خودارائه می‌دهند، نشان داده‌اند که شرکتشان در زندگی اجتماعی فقط محدود به وظائف اجرایی نیست، و خواستار آنند که در تصمیم‌گیری نیز بنوعی شرکت کنند.

در کشورهای رو به توسعه، عمل مقامات عمومی نشان دهنده شناسایی بیش از پیش‌روشن نقش جوانان در امر توسعه، از سوی جامعه است. بسیج جوانان در غالب موارد نقطه‌شروعی برای ساختن جامعه بوده که بر روی آن بتدریج، ساخت‌های متناسب بوجود آمده است. در تعداد زیادی از این کشورها، جوانان سهم بزرگی در مبارزه با استعمار برعهده گرفته‌اند و شرکتشان در امر توسعه، ادامه طبیعی و لازم همان راه است.

در برخی از کشورهای صنعتی، از چند سال پیش به این سو، شرکت جوانان در زندگی اجتماعی و فرهنگی بطور محسوسی افزایش یافته است.

یونسکو می‌تواند و باید نقش مهمی‌دراز میان‌بردن این نابرابریها بازی کند، نابرابریهایی که باعث می‌شوند گروههای استفاده‌کننده از توسعه در مقابل آنها بی‌قرار گیرند که چه اکثریت باشند چه اقلیت. از توسعه بحد کافی یا اصلاً سودی نمی‌برند و به این ترتیب بصورت عامل تشنج و بی‌ثباتی

امکاناتی که پدanan داده شده است (وسائل فراگیری، سطح شغلی و شرایط زندگی بطور کلی) بسیار محدودتر از امکاناتی است که در محیط شهری یعنی جایی که قطب‌های صنعتی در آن استقرار و رشد می‌یابند، وجود دارد. بهمین دلیل در جوانان روستایی نوعی احساس انزوا و محرومیت و وسوسه مهاجرت بسوی شهر بوجود می‌آید.

در کشورهایی که اکنون دچار مشکلات اقتصادی‌اند، توسعه بیکاری که بطور عمده متوجه جوانانی است که در جستجوی نخستین شغل خود هستند و بازگی به زندگی حرفه‌یی گام نهاده‌اند مشکلات اجتماعی و روانی (در حاشیه‌بودن، ولگردی، احساس بیپه‌بودن) ناشی از عدم تأمین مستند، باعث تشدید کشاکشهایی می‌شود که معمولاً بین جوانان طالب تغییر و بقیه جامعه که بیشتر بفکر ثباتند، وجود دارد.

تعداد زیادی از جوانان گذشته از موضوع وادغام در واقعیت اجتماعی کشورشان، در مورد برخی از مسائل مهم جهانی مثل صلح، تفاهم بین‌المللی، حقوق بشر، مبارزه با استعمار و نژادپرستی، افکار و اعتقادات را بیان می‌کنند که شاهد مشترک‌بودن اشتغالات ذهنی بین گروههای بومی کشور و محافل اجتماعی - فرهنگی گوناگون است. در اکثر موارد این اشتغالات ذهنی در ارتباط با تلاشهایی است که در وضع کنونی جامعه بین‌المللی برای استقرار يك نظام جدید اقتصادی و اجتماعی جهان

انسان و



سخن از جدایی انسان و طبیعت رفته است، جدایی که ناشی از يك تكنولوژی فائق، که با اینهمه اندك اندك به شکندگی روزافزون تمدنی می‌انجامد و حتی غافل از بنیانهای است که می‌توانسته باتکیه بر آنها رشد کند.

عدم شناخت نظامها و مکانیسمهای طبیعت که باعث حفظ زندگی بر روی زمین می‌شوند، غفلت از اثرات ناخواسته تکنولوژی، بخصوص آلودگی، مدیریت ناقص زمین، جنگل یا آب، مصرف لگام گسیخته سوختهای فسیل، توسعه بی‌حساب شهرها، در حاشیه قرار گرفتن روستاییان، خراب شدن چهارچوب زندگی، لگدمال کردن فرهنگهای سنتی، همه، از آشکارترین و رائجترین تظاهرات منفی تغییر روابط میان انسان و محیط زیست او به‌شمار می‌روند.

در چنین دیدی، آنچه غالباً «بحران محیط زیست» خوانده می‌شود، در وهله اول مربوط به انحطاط محیطهای طبیعی و زیستی در مقابل تسریع ناگهانی تسلط انسان بر کره زمین و بخصوص در قبال بهره‌برداری از منابع طبیعی است.

ولی باید در نظر داشت که این «بحران محیط زیست» درست در لحظه‌یی تظاهر می‌کند که نیاز به يك نظام جدید اقتصادی بین‌المللی مورد تأیید است و اشکال کلاسیک توسعه و نیز نحوه کمکهای فنی به کشورهای که نیازمند آن هستند مورد اعتراض قرار می‌گیرد. بدین ترتیب صحبت از «بحران تمدنی» است که سعی می‌شود بآیهود «کیفیت زندگی» که هنوز بطور کورمال انجام می‌شود، آنرا چاره کنند.

تصادفی نیست که برنامه‌های بزرگ همکاری علمی بین‌الدول که دفتر آنها در یونسکو است، توانسته‌اند بخصوص در رشته‌هایی مثل زمین‌شناسی، بوم‌شناسی، آبشناسی و یا اقیانوس‌شناسی توسعه یابند.

این تلاش علمی، بیش از پیش‌پسوی اقداماتی بین‌المللی متوجه می‌شود که هدفشان بهبود کیفیت محیط انسانی در مجموع و لازمه‌شان ره‌آورد های روزافزون و موثر علوم اجتماعی و علوم انسانی، فرهنگ، آموزش و اطلاعات و همچنین هماهنگی بسیار نزدیک يك مجموعه فعالیتهاست.

زمین‌شناسی و ژئوفیزیک، دو برنامه بزرگ تحقیقی بین‌المللی، برنامه مربوط به پوشش فوقانی زمین (۱۹۶۳-۷۱) و برنامه ژئودینامیک (۱۹۷۳-۷۹) که از طرف شورای بین‌المللی انجمن‌های علمی-بهره‌آفرین در آمدند، از پشتیبانی معنوی و مالی یونسکو برخوردار شدند. این

محیط او



Photo: APN MOS.ru

از آثار هنری گرفته تا کوچکترین گیاه و با هر جانوری که روی مس. در هوا و یا در آب زندگی می‌کند، محیط زیستشان با پراختیای تمام و گاه بدجوی جریان‌ناپذیر، بوسیله تکنولوژی نانو، ساه شده است. تصادفی نیست که برنامه‌های بزرگ شیکاری بن‌الطبی که بوسیله نونکو درجمله اجرا گذاشته شده‌اند، بسوی علوم آب، اقیانوسها، خاکها و تعادل بوم‌شناسی و حفاظت میراث هنری رو دارند. عکس بالا يك گیاه‌شناس را در فر هنگسان مسكو در حال انتخاب يك نشای غرغر برای ایجاد جنگل مصنوعی نشان می‌دهد. عکس سمت راست، بهنگام ترسیم جسيمه كوچكر بودای باعیان در افغانستان برداشته شده است، این مجسمه که در فرورفتگی یرنگاهی کنده شده است بیش از ۴۵۰۰ متر ارتفاع دارد.

است بزیر کشت برد.
پس افزایش ضرور و فوری تولید مفید بیولوژیک باید از طریق بهره‌برداری عقلانی‌تر از منابع زمینی در دسترس، بدست‌آید.
بعبارت دیگر ما هم‌اکنون از زمینهای استفاده می‌کنیم که بارورتر و ساده‌تر قابل بهره‌برداری‌اند. مهمتر از این آنکه زمینهای مورد بهره‌برداری خراب می‌شوند: تخمین زده می‌شود که اکنون هر سال نزدیک به پنج میلیون هکتار زمین، بخصوص بر اثر گسترش مراکز پرجمعیت، و نیز جریانهایی مثل فرسایش و شور شدن زمین، از بین می‌رود.

بااینهمه، جمع‌آوری اطلاعات، در تمام مناطق، درباره ارتباطهای مستقیم میان مسائلی که از نظر منابع و محیط در يك محدوده مطرحند و مشخصات و خواستههای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بیولوژیک مردم بومی آن نواحی، بنیه در صفحه ۴۱

می‌تواند در محیط دخل و تصرف کند؟ ساده شدن تدریجی اکوسیستمهای کشاورزی خطر از هم گسستگی آنها را به‌مراه دارد، چرا که يك اکوسیستم ساده شده، معمولا کمتر می‌تواند در برابر هجوم انگلها یا بیماریها عکس‌العمل نشان دهد، یا خود را با حوادث غیرمنتظره منطبق کند.

منابع محدودند و توزیع آنها نیز ناجور است. فقط زمینهایی که سر از آب بیرون دارند، یعنی تقریباً يك‌چهارم سطح کل کره زمین (در حدود ۱۳ میلیارد هکتار) محیط مسکونی انسان را تشکیل می‌دهند. ولی زمینهای قابل کشتی که واقعا بزیرکشت رفته‌اند، فقط يك‌دهم سطح خشکسپای جهان را می‌پوشانند. حداکثر می‌توان با سرمایه‌گذاریها و تلاشهای سنگین، يك‌دهم دیگر از سطح کل خشکسپا را که هم‌اکنون پوشیده از مراتع و جنگلها

برنامه‌ها نتایج علمی جالبی بیار آوردند که برای نخستین بار امکان دادند جدولی از تحول مداوم پوسته خاکی، طی دوره‌های زمین‌شناسی ترسیم شود.

بوم‌شناسی و سه سلسله طبیعت. پوسته نازک خاک، آب، و هوایی که پیرامون کره زمین وجود دارد، جایی که تمام زندگی بدان محدود می‌شود و انسان در آن به‌تکامل رسیده است، شامل تعدادی واحدهای پیچیده خود پسنده‌است که اکوسیستم نامیده می‌شوند. درون آنها، از طریق کنشهای متقابل میان جانوران، گیاهان و دیگر موجودات، و عناصر شیمیایی و فیزیکی که محیط مسکونی آنها را تشکیل می‌دهند، تعادلی برقرار است.

موضوع اساسی این است: انسان تاچه‌حد



فوریت بیشتری دارد.

تعادل جمعیت - محیط زیست - منابع
طبیعی مشکل اصلی را تشکیل می‌دهد که باید
اطلاعات تازه‌یی درباره آن در تمام مناطق جهان
جمع‌آوری شود.

ضرورت يك همکاری بین‌المللی.

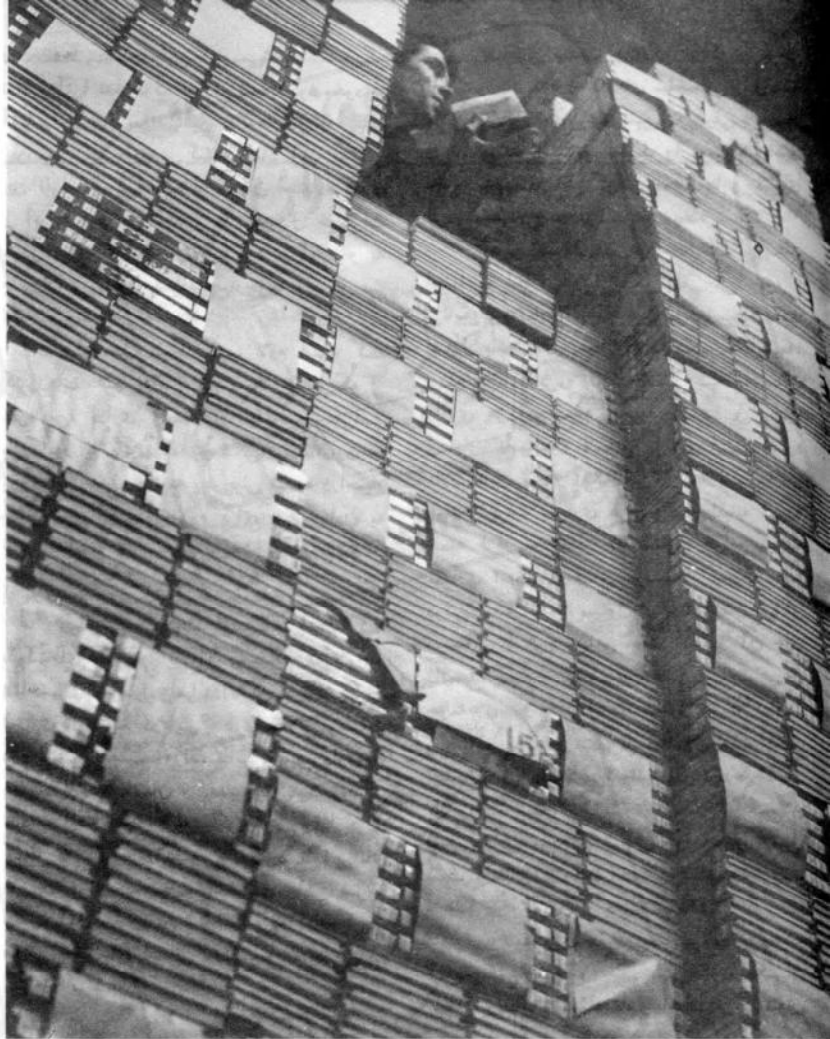
با آنکه مشکلات محیط زیست و مصرف منابع،
برحسب هر منطقه جغرافیایی شکل خاصی بخود
می‌گیرد، ولی باید آنها را در چشم‌اندازی
جهانی و یا منطقه‌یی بررسی کرد، چون مسائلی
از يك نوع غالباً برای تعدادی از کشورها مطرح
می‌شوند.

مثلاً، اطلاعات بدست‌آمده درباره طرز
جلوگیری از پیشروی صحرا در يك کشور، برای
آینده بوم‌شناسی اقتصادی و اجتماعی کشور
مورد نظر اهمیت زیادی دارد، ولی برای کشورهای
دیگری نیز که در همین وضع قرار دارند و با
مشکلاتی مشابه دست بگریانند، آشکارا جالب
توجه است.

فوریت ایجاد يك پایه محکم، برای
بهره‌برداری عقلانی و حفاظت از منابع کره
مسکون و برای بهبود روابط میان انسان و
محیط زیست، به تهیه برنامه انسان و کره
مسکون (MAB) منتهی شد. این برنامه در سطح
بین‌الدول، پایه اساسی محکم و متکی به رشته-
های گوناگون، برای پیشبرد شناخت منابع
زیستی زمین و روابط میان فعالیتهای انسانی و
اکوسیستمهای زمینی، ارائه می‌دهد. این برنامه
که کشورهای توسعه یافته و کشورهای روبه
توسعه در آن شرکت دارند، در وضع حاضر
بمرحله عمل درآمده است و با همکاری بسیار
نزدیک دیگر مؤسسات ذینفع سازمان ملل،
اجرا می‌شود.

پیچیدگی این مسائل ایجاب می‌کند که
تحقیقات چند رشته‌یی یکپارچه‌یی در پیش گرفته
شود. متخصصان علوم اثباتی و علوم طبیعی به
تنهایی فقط می‌توانند پاسخهایی بدست دهند
که ناقص و ناکافی است و باید بیش از پیش
به طیف گسترده‌یی از موقعها و پدیده‌ها و نیاز-
های اجتماعی ارتباط داده شود. پس متخصصان
علوم طبیعی و علوم اجتماعی باید براساس
برابری، چه در تهیه و چه در اجرای طرحهای
تحقیقاتی، با یکدیگر همکاری کنند.

بعنوان، مثال، در مطالعه‌یی که فعلاً در
جزایر کوچک اقیانوس آرام در جریان است و به روابط
جمعیت - آلودگی - منابع اختصاص دارد، گروه
پژوهشگران مرکب از چند بوم‌شناس، خاک
شناس، متخصص تغذیه، جغرافیای انسانی،
جغرافیای زیست‌شناسی دریایی، مشغول کار
است.



ترویج کتاب، افزایش وسائل ارتباط جمعی و بالاخره طبیعت و کیفیت خود اطلاعات در
برنامه‌های یونسکو، جای گسترده‌تری را اشغال کرده‌اند. با وجود تولید فراوان آثار
(عکس بالا) بسیاری از مردم به کتاب دسترسی ندارند. گاه وسائل سمعی و بصری
می‌توانند جای آنرا بگیرند، مثلاً در این کلاس سوادآموزی، در ساحل عاج، کودکان
و بزرگسالان در آن دوره‌های آموزشی تلویزیونی را طی می‌کنند (صفحه راست).

کتاب برای همه

کتاب، محمل لازم برای اجرای سیاستهای فرهنگی، آموزشی و ارتباطی است. در
حالی‌که، کشورهای رو به توسعه، تقریباً ۷۰ درصد جمعیت جهان را در خود دارند،
به‌زحمت فقط يك پنجم کتابهای چاپ شده در جهان را تولید می‌کنند. بقیه تولید
کتاب، در سی کشور پیشرفته متمرکز شده است.

موانع اساسی رشد تولید محلی کتاب عبارت از مخارج تولید فکری و مخارج چاپ
است. کشورهای رو به توسعه ناگزیرند به‌آنچه از خارج می‌رسد متوسل شوند. و این
کار هزینه سنگینی دارد.

بعلاوه آثار وارد شده همیشه پاسخگوی خواستهای ملتها نیست. بخش بزرگی از این
خواستها را می‌توان توسط نویسندگان داخلی برآورده ساخت که غالباً مجبور به چاپ
کتابهایشان در خارج هستند، زیرا در مدار اقتصادی محلی چاپ و نشر، وارد نشده‌اند.
هرچند جمعیت کتابخوان طی ۲۵ سال اخیر تقریباً دو برابر شده است و تعداد
خوانندگان بالقوه روز به روز افزایش می‌یابد، ولی برائرت تحقیقات فراوان این نتیجه
مشترک بدست آمده است حتی در کشورهایی که نشر کتاب در آنها کاملاً رونق دارد،
نسبت مردمی که کتاب نمی‌خوانند غالباً بالاست و گاه از ۵۰ درصد هم بیشتر است.

آب. توسعه جوامع انسانی و شهرهایی که این جوامع در آنها به شکوفایی رسیده‌اند، همیشه تابع منابع آب قابل دسترسی بوده که برای موجودیت و بقا نشان ضرورت داشته‌است. جهان‌نو به‌رغم تمام تغییرات تکنولوژیک نتوانسته است این قانون تغییرناپذیر را تغییر دهد. حتی به‌عکس، مسئله آب در زمان ما، ابعاد تازه‌یی پیدا کرده است که نه تنها ناشی از رشد جمعیت است بلکه بیشتر از افزایش سریع نیازهای کشاورزی و صنعتی و پدیده توسعه شهری است.

مهار کردن این مشکل بصورت یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است و مستلزم بوجود آوردن شناختهای ویژه‌یی در دستگاههای اداری کشوری است. وجود یک بحران در زمینه کیفیت و کمیت منابع آب، در تعداد روزافزونی از کشورها احساس می‌شود. مقدار کل آب مصرفی در جهان در ۱۹۷۵ طبق ارزیابی‌های تقریبی، در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مکعب بوده است. این مقدار در حدود ۷ درصد میانگین جریان کل رودخانه‌هاست که قسمت اعظم منابع قابل تجدید آنرا تشکیل می‌دهند. از اکنون تا سال ۲۰۰۰ مصرف آب دو برابر خواهد شد و به ۶۰۰۰ کیلومتر مکعب خواهد رسید.

این مقدار فقط یک‌چهارم حجم دریاچه بایکال و یا یک‌دهم مخازن آبهای زیرزمینی شمال غربی صحرای آفریقا است. این ارقام در مقیاس جهان و شرائط متوسط منابع و ذخایر آب ارقام نگران‌کننده‌یی بنظر نمی‌رسند. ولی از یک طرف دوبار کردن کمیت آب برای استفاده مصرف‌کنندگان جهان، مستلزم سرمایه‌گذاری فوق‌العاده‌یی بمراتب بیشتر از سرمایه‌گذاری برای آب است. زیرا که بازده سرمایه‌گذاری برای عملیات لازم بتدریج کاهش می‌یابد.

از طرف دیگر، بعلمت نابرابری قابل ملاحظه منابع آب برحسب مناطق مختلف جهان و سالها و فصول مختلف، وضع از هم‌اکنون در بسیاری از کشورها بحرانی شده‌است.

کیفیت آب. استفاده از رودخانه‌ها و نه‌رها برای حمل زباله، که از دور دست‌ترین زمانها در تاریخ رواج داشته است، نه‌تنها تا امروز ادامه پیدا کرده، بلکه چنان ابعادی بخود گرفته است که نتایج آن جای نگرانی زیادی دارد. همان آبی که بمصارف خانگی می‌رسد و بعد مورد استفاده کم یا بیش‌آلوده کننده صنعت و کشاورزی قرار می‌گیرد، در عین حال برای حمل مواد زائد آلی و غیرآلی تا دریا، که نتیجه اجتناب‌ناپذیر تراکم جمعیت انسانی و بخصوص پیچیدگی تولید صنعتی است، بکار می‌رود. این تفاله‌های شیمیایی و غیرشیمیایی در

رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی جمع می‌شوند که دیگر توانایی آنرا ندارند که از راه تصفیه‌خود بخودی، آنها را از بین ببرند؛ این تفاله‌ها حتی به آبهای زیرزمینی نیز نفوذ می‌کنند. فساد آنها برائش این نفوذ، بهمین اندازه از امکان استفاده بعدی از این منابع می‌کاهد و در عین حال خطرات مهمی برای سلامت مردم بوجود می‌آورد و به جانوران و گیاهان منطقه و چهارچوب زندگی نیز لطمه می‌زند.

برای حل مسئله آب، لازم است که کشورهای عضو به اقداماتی دست بزنند که از نظر فنی، اداری و اقتصادی، به توسعه سراسر یک کشور یا یک منطقه وابستگی نزدیک دارد. با وجود این هدف برنامه پیش‌بینی شده، در اختیار گذاردن مبانی علمی لازم برای جهت دادن به این اقدامات و تضمین اثربخشی آنهاست.

اقیانوس. برعهده یونسکو است که بدولت‌های عضو توانایی آن را بدهد که بتوانند شناختهای اساسی علمی را که برای بهره‌برداری از منابع دریایی بنحوی عقلانی و متعادل لازم است، بدست آورند، تا این بهره‌برداری به بقای درازمدت انسان و به بهبود کیفیت زندگی مدد رساند. همچنین یونسکو باید وسائلی برای کمک به کشورهای عضو برانگیزد تا زیربنای لازم را برای تحصیل شناختهای علمی ضرور بدست آورند و از این شناختها برای اداره کردن عقلانی فعالیت‌های انسانی در زمینه محیط‌دریایی استفاده کنند.

شهرسازی و کیفیت زندگی. واضح است که محیط ساخته شده شهرها و روستاها دچار تغییراتی چنان ناگهانی شده‌اند که در بسیاری از کشورها مقامات رسمی اذعان دارند که از مهار کردن تحول آن عاجزند. اعلام دو برابر شدن جمعیت جهان تا آخر این قرن، پیشرفت‌های توسعه صنعت و گرایش تقریباً جهانی به شهرنشینی، این نگرانی را افزایش می‌دهد.

در هر حال، این تراکم جمعیت شهری با یک دگرگونی بنیادی درخود ساخت شهر همراه خواهد بود. بدین معنی که نقش‌های سنتی (ارتباطات، بازرگانی، سیاست، فراغت) به‌محله‌های مشخصی اختصاص پیدا می‌کنند، مراکز تاریخی از بین می‌روند؛ شبکه‌های حمل و نقل سریع، بافت شهری را از هم می‌درند.

نا توانی از مهار کردن هم‌زمان مصرف زمین، ایجاد شغل، و بهبود شبکه‌های ارتباطی، به انحطاط روزافزون شرائط زندگی در محیط شهری منجر می‌شود. بدین ترتیب است که شهر، که در زمانهای پیش نمونه عالی مرکز اشاعه تمدن بود، امروزه بعنوان محل‌آلود گیها، اذلاف وقت، تبعیض تجاوزات روانی، تنهایی، و گاه حتی ناامنی، مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

همچنین صنعت جهانگردی که در برخی از کشورها، بناها و کارهای ساختمانی را وابسته بخود کرده است، باعث تغییرات عمیقی در محیط زیست شده است و محیط را بوسیله بناهای عظیم، بدون در نظر گرفتن محوطه‌ها و سنت‌های مردم باصلاح محلی، درهم ریخته است.

چنین مسائلی در عین حال اکولوژیک، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی تلقی می‌شوند، و برنامه‌ریزی مادی‌یی که تنها بر محاسبه اقتصادی استوار باشد قادر به حل آنها نیست. و بااین‌همه، همین برنامه‌ریزی کاذب است که به عنوان داروی درد، بهمه توصیه می‌شود و ایجاد و اداره تأسیسات انسانی را زیر فرمان خود دارد. قابل توجه آنکه این برنامه‌ریزی را نیز همانند بی‌بند و باری هرج و مرج طبلانه مورد حمله قرار می‌دهند که مسئول خرابی میراث معماری است که فدای موسسات خصوصی یا دولتی شده است؛ مسئول از پا درآمدن مراکز روستایی و فرهنگ‌هایی است که در آن جای داشتند، مسئول تراکم زیاد مسکن اجتماعی در حومه‌های دور دست است، مسئول تمرکز ادارات و صنایع و مهاجرت‌های تاسف‌آوری است که از این تمرکز ناشی می‌شوند، و بالاخره مسئول یک‌نواخت شدن شهرسازی است که هدفش سکنی دادن مردم است ولی خود اسیر اتومبیل است و انسان در آن احساس تعلق و هویت فرهنگی خویش را از دست می‌دهد.

برنامه‌ریزی حقیقی یعنی برنامه‌ریزی یک آمایش سرزمین و یک شهرسازی نگران کیفیت زندگی، مسئله تأسیسات انسانی را بعنوان سیستم‌های بسیار پیچیده‌یی تلقی خواهد کرد که تنها از طریق تحقیقات بردیارانه و فراوان می‌توان با روح علمی به آن برخورد کرد.

در مورد سیستم‌های شاخص کیفیت محیط زیست کارهایی در دست انجام است. مطالعاتی درباره نتایج اجتماعی و فرهنگی جهانگردی بعمل می‌آید. تمرین‌های تهیه برنامه‌یی برای مسئولان محیط زیست آماده شده است، و بالاخره بررسی‌های دیگری انجام می‌شود که به شناخت معماری سنتی و مسائل ناشی از انطباق آن با نیازهای زندگی کنونی کمک خواهد کرد.

یونسکو با چندین کشور عضو، در حفاظت و بهره‌برداری از مکانها، بناها و محله‌های شهری تاریخی همکاری می‌کند. در چنین شرائط مشخص و ملموسی، تجربه نشان می‌دهد که عملیاتی که بظاهر صرفاً فنی تلقی می‌شوند و برای بهبود محیط بکار می‌روند، فقط در صورتی توفیق‌آمیز خواهند بود که روابطی را که انسانها (مسئولان سیاسی، مدیران، ساکنان و استفاده کنندگان) بین خود و باین محیط بوجود می‌آورند، در نظر گیرند.

(از برنامه میات ملت (۱۹۸۲-۱۹۷۷) یونسکو: فصل هفتم، انسان و محیط او)

در چهار گوشه جهان

معرفی چند کتاب

- **مده**
نوشته ژان آنوی
ترجمه حسن جوادی
۸۷ صفحه - بها ۹۰ ریال
انتشارات آگاه
- **دنیای مطبوعاتی آقای اسراری**
نوشته بهرام بیضایی
چاپ دوم، ۲۱۲ صفحه، بها ۲۰۰ ریال
انتشارات مروارید
- **بامداد اسلام**
نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب
چاپ سوم - ۱۷۳ صفحه - بها ۲۷۵ ریال
انتشارات امیرکبیر

- **سأ به بان**
نوشته امیر فرشید علائی
۱۸۳ صفحه، بها ۱۵۰ ریال
انتشارات مرجان
- **مطلق زدگی**
نوشته عیسی جلالی
۲۴۸ صفحه - بها ۱۵۰ ریال
چاپ مطهری
- **آفریقا، افسانه‌های آفرینش**
نوشته یولی بایر
ترجمه ژ. ا. صدیقی
۴۱۴ صفحه - بها ۲۲۰ ریال
انتشارات مطبوعاتی عطائی

- **پدیده‌های مبتذل**
نوشته محمدرضا صادقی
۷۰ صفحه - بها ۵۵ ریال
انتشارات تکامل
- **جاده**
نوشته اکبر رادی
چاپ دوم، ۱۲۹ صفحه، بها ۱۲۵ ریال
انتشارات مروارید
- **داستان‌فلسفی**
نوشته آندره ژید
ترجمه حسن هنرمندی
۲۹۸ صفحه - بها ۱۸۰ ریال
کتابفروشی زوار

- **کوماین**
نوشته لاری کرمانشاهی
۲۵۸ صفحه، بها ۲۰۰ ریال
انتشارات مرجان
- **فلسطین و حقوق بین الملل**
نوشته هنری کتان
ترجمه غلامرضا فدائی عراقی
۳۱۰ صفحه، بها ۲۴۵ ریال
انتشارات امیرکبیر
- **کارنامه دولت‌های ایرانی در عراق**
نوشته علی ظریف الاعظمی
ترجمه و نگارش محمد بدیع
۲۷۰ صفحه - بها ۱۵۰ ریال

- **در غربت شهر**
نوشته کریم شفاغی
۳۱ صفحه، بها ۲۰ ریال
انتشارات شمس تبریز - نشر بولاق

بین‌المللی صلح ژان بیستوسوم، بخاطر تلاشهای انجام شده در جهت توسعه حقوق بشر و تفاهم بین‌المللی، به یونسکو داده شد.

جایزه برنامه تعاون

در ۷ ژانویه ۱۹۷۷، جایزه مخصوص یونسکو به شاگردان مدرسه نمونه دخترانه بلغاست (انگلستان) تعلق گرفت. شاگردان این مدرسه، در مدت سه هفته، مبلغ ۱۳۱۰ لیره استرلینگ برای برنامه تعاون یونسکو جمع‌آوری کرده بودند. از طریق این مردم، مدرسه‌ها، انجمنها، باشگاهها، افراد و غیره... در کشورهای صنعتی، مستقیماً به طرحهای در حال اجرا در کشورهای رو به توسعه، کمک می‌کنند. بدین معنی که آنها می‌توانند چکهای (Unesco) unit of money یا واحد پول یونسکو که یک دلار ارزش دارد، خود را مستقیماً برای برنامه مورد نظرشان بفرستند. طی دوسال اخیر، در چهارده کشور عضو، مبلغ ۳۸۰،۰۰۰ دلار بصورت چک UNUM بوسیله یونسکو و سازمانهایی که برنامه همکاری متقابل را سرپرستی می‌کنند، بجا آورده شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر به یونسکو، برنامه تعاون، دفتر اطلاعات عمومی مراجعه کنید.

چند نکته...

- مجموعه صفحات موسیقی سنتی یونسکو، یا اطلس موسیقی، سه صفحه جدید افزوده شده است. که عبارتند از آوازا و موسیقی ابزاری هنگ کنگ، رومانی و خلق پل (فولانی) در آفریقای غربی.
- دانشگاه اروپایی فلورانس (ایتالیا) که چندی پیش افتتاح شد، اسامی در بخشهای تاریخ و تمدن علوم اقتصادی، حقوق، علوم سیاسی و اجتماعی دانشجو - محقق پذیرفت.

■ اخیراً یونسکو دو فیلم تازه ۱۶ میلیمتری رنگین در مورد معماری سنتی دو کشور آفریقای برای تلویزیون تهیه کرده است. فیلم اول درباره شهر قدیمی فاس (مراکش) است و دومی نشان می‌دهد چگونه اهالی مالی از گل برای خانه‌سازی استفاده می‌کنند.

■ شاگردان مدارس هریک از ۱۸ کشور عضو شورای اروپا، که در کشور عضو دیگری مشغول تحصیل باشند، یک «کودنامه تحصیلی» دریافت می‌کنند که در آن اطلاعات مربوط به تحصیل و بهداشتشان نیز ذکر می‌شود.

■ انجمن بین‌المللی هنرهای تجسمی که یک سازمان غیردولتی عضو یونسکوست، خواسته است که در تمام گروههایی که یک کارخانه جدید را طراحی می‌کنند، یک نفر طراح زیبایی‌شناسی صنعتی عضویت داشته باشد تا بدین ترتیب، «معیارهای بصری» که باعث ایجاد محیطی هماهنگ است، در نظر گرفته شود.

گرناد در یونسکو

از تاریخ ۳۰ ژانویه تا ۱۱ فوریه ۱۹۷۷، ایالت گرناد اسپانیا، موضوع یک رشته کنسرتها، فیلمها، گفتگوها و نمایشگاههای هنری و صنایع دستی، در مرکز یونسکو در پاریس بود. مدیرکل یونسکو آدامو-مپتارامبو، ضمن سخنرانی افتتاحیه خود، گرناد را بعنوان نمونه کامل آمیزش دوفرهنگ بسیار درخشان جهان و بعنوان شاهدهی براین امر که یک هویت فرهنگی می‌تواند از برخورد تمدنهای مختلف برخیزد، معرفی کرد.

دره کاتماندو و آثار باستانی آن

در ۲۵ ژانویه ۱۹۷۷ آدامو-مپتارامبو مدیر کل یونسکو از طرف دولت نپال تشریعی دریافت کرد که فهرستی واقعی از تمام آثار یادبود و محوطه‌های باستانی دره کاتماندو بشمار می‌رود. این اثر که در قالب برنامه دولت نپال در راه حفظ میراث فرهنگی و طبیعی دره کاتماندو بوجود آمده، اهمیت بسیاری دارد. این تشریه نتیجه تلاش پیگیری است که از سوی مقامات نپال و مؤسسات منظومه ملل متحد در این زمینه انجام شده است. (مجله پیام یونسکو شماره آذر ۱۳۵۳ نگاه کنید).

برای فرهنگ

دولت عربستان سعودی، چندی پیش مبلغ ۹۱۰،۰۰۰ دلار به صندوق بین‌المللی ترویج فرهنگ که در ۱۹۷۴ از طرف کنفرانس عمومی یونسکو ایجاد شد، اهدا کرد. هدف این صندوق که از اسامی فعالیت‌های آغاز می‌شود دادن وامها و کمکهای نقدی به طرحهای فرهنگی در کشورهای عضو یونسکو است. کشورهای ونزوئلا و ساحل عاج نیز قبلاً دهتهای خود را باین صندوق پرداخته‌اند.

تمبر یونسکو در اتحاد جماهیر شوروی

اداره پست اتحاد جماهیر شوروی، بمناسبت سی‌امین سالگرد یونسکو، تمبری بمبلغ شانزده کویپک بجاپ رسانید. بر روی این تمبر، آدم یونسکو و همچنین علامت ملل متحد، که کره زمین با تاجی از شاخه زیتون است، برنیکهای آبی‌تیره، آجری و قرمزتیره چاپ شده است. این تمبر بوسیله هنرمند گراوورساز، آنا تولی کالاشنیکف، طرح شده است.

روز بین‌المللی صلح

بمناسبت دهمین سالگرد روز بین‌المللی صلح، در ۱۱ ژانویه ۱۹۷۷، مدیرکل یونسکو آدامو-مپتارامبو، به نمایندگان پاپ پل ششم خوشامد گفت. این دومین بار است که سازمان با این روز، ارتباط نزدیک پیدا می‌کند. در ۱۹۷۴ جایزه

طبیعت و حفظ آن

مسائل مربوط به حفظ طبیعت و استفاده از منابع طبیعی همراه با مسائل جنگ و صلح، هسته مرکزی اشتغالات ذهنی افکار عمومی جهان را تشکیل می‌دهند.

بنظر من، تشریعی چون مجله پیام یونسکو، با وجه بین‌المللی و تعداد خوانندگان بسیار زیادی که دارد، می‌تواند و باید در میان مقالاتش، یک ستون دائمی ویژه حفظ طبیعت و استفاده عقلانی از منابع طبیعی داشته باشد و در آن کارهای فراوان انجام شده در کشورهای مختلف را شرح دهد. چنین روشی امکان‌خواهد داد تا تجربه‌های بدست آمده، شناسانده شوند و تلاش‌ها بطریقی هماهنگ به‌هم رسند و به پیدا کردن راه‌حلی برای مسائل راجع به رابطه میان طبیعت و جامعه بینجامد، شکلی که نمی‌توان اهمیتش را در پیشرفت بشریت انکار کرد.

پرسور خاچاطور میرایمانیان
اتحادیه بین‌المللی حفظ طبیعت،
ایروان ارمنستان اتحاد جماهیر شوروی

پاسخ:

مقالات مربوط به جنبه‌های مختلف این مسئله مرتباً از طرف مجله پیام یونسکو چاپ می‌شوند. شماره ژانویه ۱۹۶۹ کاملاً به مسئله «آیا کره ما غیرقابل سکونت خواهد شد؟» اختصاص داشت. در شماره بهمن ۱۳۵۱ «برای آنکه زمین باقی‌ماند» و در شماره بهمن ۱۳۵۲ «نویدهای خورشید» نیز همین مسئله مطرح شده است.

اضطراب و هیجان و انطباق

ایوان خورول در مقاله‌اش درباره هیجان و اضطراب «مجله پیام یونسکو، آبان ۱۳۵۴» از این بحران که روز بروز بوسعت دامنه آن افزوده شده و سراسر بشریت را فرا گرفته است، یعنی انطباق با موقعیتهای مختلف، تصویری بسیار دقیق رسم کرده بود. باید بچینه دیگری این مسئله نیز بهمین اندازه توجه کرد. نویسنده این نظر را می‌پذیرد که در هر یک از ما تا اندازه‌ای «انرژی انطباقی» وجود دارد، که بعد از اضطرابی کاهشی می‌یابد ولی باید خاطر نشان ساخت که این کاهش انرژی انطباقی تا حد زیادی بستگی به واکنشهای افراد در برابر یک اضطراب معین دارد و نه فقط در مقابل شدت و طول اضطرابی که تحمل می‌کنند.

انرژی انطباقی براساس دو نوع رفتار مصرف می‌شود: یا بوسیله «فعالیت تجسمی» که سعی در تغییر یک موقع نامطلوب یا انطباق با آن دارد، و یا بوسیله رفتاری که «در تجسم» نامیده می‌شود، رفتاری که منجر به کششهای بی‌نرم، حمله‌های عصبی و وضعیای دیگری از این نوع می‌گردد. تضاد در این نکته است که هر چند فعالیت تجسمی مستلزم صرف انرژی زیادی است، ولی کمتر از «در تجسم» منجر به از دست دادن امکانات انطباق و بیماری می‌شود. این مسئله بطور غیر مستقیم، بوسیله این نکته

تأیید می‌گردد که انرژی انطباقی (که فعلاً نمی‌توان آن را سنجید) واقعاً شکلی ویژه و اختصاصی از انرژی است. بنابراین ممکن است جراحات کسانی که شکست را نمی‌پذیرند و برای مبارزه در راه پیروزی آماده‌اند، بتواند آسانتر شفا یابد.

و - اس - روتنبرگ
محقق علوم پزشکی، مسکو،
اتحاد جماهیر شوروی

اگر داستان یونسکو را برایم باز می‌گفتند...

تبریکات بسیار مرا برای شماره شهریور و مهر ۲۵۳۵ مجله پیام یونسکو که شکل داستان مصور ارائه شده بود بپذیرید. این مجله کاملاً موافق با روحیه کسانی است که در تعطیلات بصری‌برند و وقت خواندن چیزهای جسدی را ندارند، ولی با اینهمه از طریق نحوه ارائه بسیار سرگرم‌کننده شما به‌آنها پی می‌برند.

ژ - شاولان
مارسی - فرانسه

ولی نه بصورت ب.

لطف کنید و بچاپ مقالات بسیار جالب‌تان ادامه بدهید، ولی از چاپ آن بصورت داستان مصور بی‌روح و بی‌ذوق شماره شهریور و مهر ۲۵۳۵ مجله‌تان، پرهیز کنید.

آ - کوسو
نانت - فرانسه

بله، چطور هم.

دخترم چندی پیش شماره شهریور و مهر ۲۵۳۵ مجله پیام یونسکو را دریافت کرد. این شماره، همه ما را مسحور کرد، در نتیجه، از شما خواهش می‌کنم لطف کرده و چهار جلد آنرا برایم بفرستید.

ا - بندزه
لیون - فرانسه

مغز در دسترس همه

من می‌خواستم برای شماره بهمن ۱۳۵۴ مجله شما که به تحقیق در مورد مغز و اعمالش، اختصاص داشت شما تبریک بگویم. این مقالات خوب و روشن فقط برای متخصصان نبود، بلکه بکروه زیادی از مردمی که کم یا بیش در مورد چنین موضوع وسیع و جالبی اطلاع‌ی دارند، نیز مربوط می‌شد. این شماره یکی از جالبترین نمونه‌های «نگارش مطالب علمی بزبان ساده» بشمار می‌رود که تا کنون بطبع رسیده است و این قول یکی از خوانندگان‌تان ه. و. س. فیلیپ، استاد تعلیم و

تربیت است که شما نامه‌اش را در شماره مهر ۲۵۳۵ مجله چاپ کردید.

رنه کامیو
کورینا - فرانسه

ملانصرالدین، از اسطوره تا تاریخ

من با توجه بسیار مقاله ایوان سوپ را، بنام «هزارویک لطیفه ملانصرالدین» که در شماره اردیبهشت ۲۵۳۵ مجله شما بچاپ رسیده بود، خواندم. نویسنده نکته‌ی را مطرح کرده است که من با آن موافق نیستم. نویسنده در ترک‌بودن ملانصرالدین شک می‌کند و معتقد است که او متعلق به دنیای اسلام است.

اگر برخی از دانشمندان بخواهند در پیدا کردن «شناسنامه» یک شخصیت ادبیات شفاهی عامیانه قرون وسطی در هر کشوری سعی کنند، احتمال زیادی هست که ناامید شوند یا بنحوی نسنجیده اظهار نظر کنند... با وجود این، و مطابق منابع شفاهی (که بوسیله برخی از نوشته‌ها تأیید شده است) ملانصرالدین در ۱۲۵۹ در دهکده هورتو بدنیا آمده و فرزند عبدالله افندی و صدیقه حلیم بوده است.

ولی یک لحظه فرض کنیم که ملانصرالدین ترک نباشد و لطیفه‌های مورد نظر را آورد عناصر خارجی باشند، در چنین صورتی، این لطیفه‌ها از راه اسلام و توسط زبانهای فارسی یا عربی بمحیط دانشمندان آن زمان راه یافته‌اند. در این حال، آنها به ادبیات دانشمندانه متعلق بودند و نمی‌توانستند هرگز به قشرهای دهقانی برسند. مهبذا، این لطیفه بزبان ترکی خالص و بدون هیچگونه لغت عربی و فارسی تعریف می‌شوند. اما در مورد شیوع این داستانها «از مراکش تا چین» و «از سیبری تا شبه جزیره عربستان» شایع‌کنندگان اصلی این لطیفه‌ها اقوام متعدد ترک در مهاجرت‌های خود و نیز کشورهای امپراتوریهای بودند که این اقوام موجود آوردند. بنابراین غیرممکن است که خاستگاه ملانصرالدین در جهان اسلامی کم شود. بی‌شک جهان ترک زبان در دنیای اسلام ادغام شده ولی توانسته است سنت‌ها و هنرهای عامیانه خود را حفظ کند.

هاوک تارکان
پاریس - فرانسه

برای نجات پستانداران دریایی

من از چندی پیش سرگرم شناسایی پستانداران دریایی و مسائل مربوط به از میان رفتن آنها، مثل شکار، صید و آلودگی هستم. اگر این مسئله اینقدر حیاتی نبود، بخود اجازه نمی‌دادم برای شما نامه بنویسم. پستانداران دریایی در تمام دریاها پراکنده‌اند و اگر تصمیمات فوری در این باره گرفته نشود، خطر از میان رفتنشان هست. و این فقدان اشتباه بسیار بزرگی خواهد بود، زیرا مطالعات علمی در این مورد، هنوز در مرحله جنینی قرار دارند.

پرانز - مونیه
کاپ‌فره - فرانسه

بیمای اشتراك

دو ساله	یکساله
۱۳۵ فرانک	۷۵ فرانک
۵۸ فرانک	۳۲ فرانک
۵۸ فرانک	۳۲ فرانک
۱۰۸ فرانک	۶۰ فرانک
۹۴ فرانک	۵۳ فرانک

فرہنگہا، تاریخ آنها، تحولات و تلاقی آنها

امیباکت: «علم و زندگی»

توسعه علمی و فنی و غایات آنها

نمای تعلیم و تربیت

مجله‌یی در زمینه‌های آموزش و پرورش با برداشتی دقیق و متنوع از مسائل مهم آموزشی

موزه

مجله موزه‌شناسی، ارائه و حفظ آثار هنری،
ساختمانهای جدید موزه‌ها و سامان دادن به آنها

مجلة بين المللي علوم اجتماعي

نگرش بین‌المللی و جامع در زمینه علوم اجتماعی معاصر

علاقه‌مندان می‌توانند، ترتیب اشتراك هريك از مجله‌های مذکور را از طريق دبیرخانه كميسيون ملي يونسكو در ايران (تهران - خيابان ايرانشهر شمالي - شماره -) بدهند و بهاي آن را بجهت ريال بپردازند.

برای مشترک شدن و نیز برای سفارش و خریداری
انتشارات یونسکو می‌توانید مؤسسات زیر مراجعه کنید.

ALBANIE. Sh. Botimeve Naim Frasheri, Tirana
ALGERIE. Institut pédagogique national, 11, rue Ali
Haddad, Alger, Société Nationale d'édition et de diffusion
(SNEDE), 3, bd Zerktouni, Alger. **REP. FED.**
D'ALLEMAGNE. Unesco Kurier (édition allemande seu-
lement), Colmanstrasse 22, 5300 Bonn. Pour les cartes
scientifiques seulement: Geo Center, Postfach 8008/83,
7000 Stuttgart 80. Autres publications: Verlag Dok-
umentation, Posenbacher Strasse 2, 8000 München
71 (Prinz Ludwigshöhe) — **REP. DEM. ALLE-**
MANDE. Buchhaus Leipzig, Postfach 140, Leipzig
Internationale Buchhandlungen, in R.D.A. **AUTRICHE.**
Dr. Franz Hanf, Verlags und Kommissionsbuchhandlung,
Stuhlgasse 1, Stadl-Paarl, Wien Gasse 5, 1220
Wien. **BELGIQUE.** Ag. pour les pub. de l'Unesco
pour l'édition française du «Courrier», Jean De Lan-
noy, 112, rue du Trône, Bruxelles 5. C.C.P. 708-23
Edition neerlandaise seulement: N.V. Handelsmaatschappij
Keesing, Keesinglaan 2-18, 21000 Dourne, Antwerpen
REP. POP. DU BÉNIN. Librairie nationale, B.P. 294
Porto Novo. **BRESIL.** Fundacao Getulio Vargas,
Servico de Publicações, Caixa postal 21120, Praia de
Botafogo, 188 Rue de Janeiro; GB **BULGARIE.**
Hemus, Kantora Literatna, bd Rousky 6, Sofia
CAMEROUN. Le Secrétaire général de la Commission
nationale de la Recherche Scientifique, du Cameroun, poste
n° 1, P. N. 1600, Yaoundé. **CANADA.** Pub-
lishing Centre, Supply and Services Canada, Ottawa,
K1A 0S9. **CHILI.** Bibliocentro Ltda., Casilla 13731
Huérfaños 1160 of 213, Santiago (21) — **REP. POP.**
DU CONGO. Librairie populaire B.P. 577 Brazzaville
— **CÔTE-D'IVOIRE.** Centre d'édition et de diffusion afri-
caines, B.P. 4541, Abidjan-Plateau. **DANEMARK.**
Ejnar Munksgaard Ltd., 6 Nørregade, 1165 Copenhagen
K. **EGYPTE (REP. ARABE D').** National Centre for
Unesco Publications, N. El Taal, Harb Street, Farafra
Square, Le Caire. **ESPAGNE.** Toutes les publications
y compris le «Courrier de l'Unesco». Distribuidora de
libros iberoamericanos, S.A., calle de Oñate, 15,
Madrid 20. DEISA Distribuidora de Publicaciones Ibero-
americanas S.A., calle de Oñate 15, Madrid 20. Libreria

Al-Andalus, Rdana, 1 y 3 Sevilla 4, **MURCI**: Prensa Libros S.A. Castelló 37, Madrid 1 **Pour le Cour** : Courcier's seulement Editions Librai. Apartado 17, Ondarroa (Vizcaya).
ÉTATS-UNIS. Unipub, Box 433, Murray Hill Station, New York N.Y. 10016. **FINLANDE**. Akateemi
nen Kirjakauppa, 2 Keskuskatu SF 00100 Helsinki 10. **FRANCE**. Librairie Unesco, 7, 9 place de Fontenay 75700 Paris. C.C.P. 12 598 48. **GRECE**.
Librairies internationales. **HAÏTI**. Librairie « A
Caravelle », rue René B. 1, 1011 Port-au-Prince.
HAÏTI-VOLTA. L'Attila B.P. 64, Ouagadougou.
Librairie Catholique « Jeunesse d'Afrique » Ouagadougou.
HONGRIE. Akadémiai Könyvszolgált. Váci U. 22
Budapest V.A.K.V. Könyvtársok Boltja Népkoztársaság
utja 16, Budapest VI. — **INDE**. Orient Longman Ltd.,
Kamari Marg Ballard Estate, Bombay 400 038, 17 Chit
tarjanan Avenue, Calcutta 13, 36a Anna Salai, Mount
Road, Madras 2 B/37 Asaf Ali Road, Nouvelle Delhi 1,
80/1 Mahatma Gandhi Road, Bangalore 560001,
3-5/20 Hyderabad, Hyderabad 500001.
IRAN. Ministry of Education and Social Welfare,
511 C Wing, Shastri Bhawan, Nouvelle Delhi 110001,
Oxford Book and Stationery Co., 17 Park Street, Cal
cutta 700016; Scindia House, Nouvelle Delhi 110001.
IRAN. Commission nationale iranienne pour l'Unesco, av.
franchaisi Chomali N° 300, B.P. 1533, Téhéran, Kharazm
Publishing and Distribution Co. 229 Daneshgah Str.,
Shah Avenue P.O. Box 14/486, Téhéran. **IRLANDE**.
The Educational Co. Ltd., Ballymot Road, Dublin.
ISRAËL. Ezer Heli Brown, formerly
Blumstein's Book stores, 35, Allenby Road, 48
Nachlat Benjamim Street, Tel Aviv. 9 Shlomzion Hamalka
Street, Jérusalem. **ITALIE**. Clodia (Libreria Com
missionaria Sansoni, S.p.A.) via Lamarmora, 45, Casella
Postale 552, 50121 Firenze. **JAPON**. Eastern Book
Service Inc. C.P.O. Box 1728, Tokyo 100 92. **LIBAN**.
Librairies Antoine A. Naoufal et Freres: B.P. 656,
Beyrouth. — **LUXEMBOURG**. Librairie Paul Bruck
22, Grand Rue, Luxembourg. **MADAGASCAR**.
Toutes les publications Commission nationale
Education de Madagascar pour l'Unesco, Ministère de
l'Éducation nationale, Tananarive. — **MALI**. Librairie
populaire du Mali, B.P. 28, Bamako. **MAROC**.
Librairie « Aux belles images », 282, avenue Mohammed V,
Rabat, C.C.P. 68 74, « Courrier de l'Unesco » : pour les
membres du corps enseignant : Commission nationale
marocaine pour l'Unesco 200, Zenkat Mourabitine,
Rabat (C.C.P. 324 45). **MARTINIQUE**. Librairie
« Au Boul Mich », 1 rue Perrignon, et 66 av. du Parquet,
97100, Fort-de-France. **MAURICE**. Island Co.,
20, Northbrook, Port-Louis. **MEXIQUE**. CILA
Sullivan 31 bis, México 4, D.F. SARSA, Servicios A
Bibliotecas, S.A. Insurgentes Sur, No. 1032 40

Mexico 12. f. **MONACO.** British Library, 30 boulevard des Moulins, Monte-Carlo. **MOZAMBIQUE.** Instituto Nacional da Livro e do Disco (INLD), Avenida 24 de Julho, 1921 r.c.e. 1 andar, MAPUTO. **NIGER.** Librairie Mauclet, B.P. 868, Niamey. **NORVEGE.** Toutes les publications : Johan Grundt Lamson (Book-sellers), Karl Johans gate 43, Oslo 1, Postboks 17. **OMAN.** Tous les livres : A. Al-Hakim, Littératurenesthe Box 6125, Oslo 6. **NOUVELLE-CALEDONIE.** Reprex S.A.R.L., B.P. 1572, Nouméa. **PAYS-BAS.** « Unesco-Koerner » (Edition nederlandse seulement) System Keesing, Ruysdaalstraat 71-75 Amsterdam 1007 Agent pour les autres éditions et toutes les publications de l'Unesco : N.V. Martinus Nijhoff, Lange Voorhout 9 s. Gravenhage. **POLOGNE.** ORPAN Import Palac Kultury i Nauki, Varsovie, Ars Polona Ruch, Krakowec - Przemiesniec Nr 7, 00-901 Varsovie. **PORTUGAL.** Dias Andrade Lda, Livraria Portugal, Rua da Liberdade 138, Lisbonne. **ROUMANIE.** Romilstr, Str. Biserica Armerii Nr 5-7, P.O.B. 134 135, Bucarest, Abonnements aux périodiques : Rompreseditalia cala Victoriei nr 29, Bucarest. **ROYAUME-UNI.** H.M. Stationery Office P.O. Box 569, Londres SE 1. **SÉNÉGAL.** La Maison du Livre, 13, av. Roume, B.P. 20 60 Dakar. **LIBRAIRIE CLARIFIQUE,** B.P. 2005, Dakar. **LIBRAIRIE « Le Sénégal »** B.P. 1954, Dakar. **SUEDE.** Toutes les publications : A/B C.E.F. & Cozter AB, Kungälv Hovbokhandel, Fredsgatan 2, Box 16356, 1-0327 Stockholm. **SWITZERLANDE.** « seulement » Svenska FN-förbundet, Skolgården 2, Box 150 50, S-10465 Stockholm Postgörs 184692. **SUISSE.** Toutes les publications : Europa Verlag, 5, Ramistrasse, Zurich C.C.P. 80 23383. **LIBRAIRIE Payot,** 6, rue Grenus 121 Genève 11, C.C.P. 12 236. **SYRIE.** Librairie Sayegh Immeuble Diab, rue du Parlement, B.P. 704 Damas. **TCHÉCO-SLOVAQUIE.** S.N.T.I., Spalená 51 Prague 1 (Exposition permanente); Zahranicni Literatura, 1 Soukenikova Prague 1 Pour la Slovaquie : seulement Slovenska kniznica Bratislava 6, 893 31 Bratislava. **TOGO.** Librairie Evangélique, B.P. 378 Lomé. Librairie du Bon Pasteur, B.P. 1164 Lomé. Librairie Moderne, B.P. 777, Lomé. **TUNISIE.** Société tunisienne de diffusion, 5, avenue de Carthage, Tunis. **TURQUIE.** Librairie Hachette - 469 Istiklal Caddesi, Beyoglu, Istanbul. **U.R.S.S.** Mejdunarodnaja Kniga Moscow, G 200. **URUGUAY.** Editorial Losada Uruguay S.A. Libreria Losada, Montevideo 1092, Colonia 1340, Montevideo. **VIEUX-PAYS.** Druztvo Zlatobor Slovence Titova C-25, P.O.B. 50, Ljubljana. **REP. DU ZAIRE.** La Librairie, Institut national d'études politiques, B.P. 2307 Kinshasa ; Commission nationale de la Rep. du Zaïre pour l'Unesco, Ministère de l'Education nationale, Kinshasa.

هارامبه



Photo Erwin Knaedinger, Autriche

«هارامبه» لغت سواحیلی به معنای «متحد شویم»، برای مشخص کردن اندیشه‌هایی که برنامه شش‌ساله آینده یونسکو را تعیین کرده‌اند، کافی خواهد بود. این برنامه از جانب کنفرانس عمومی یونسکو که از ۲۶ اکتبر تا ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ در نایروبی، پایتخت کنیا برگزار شد مورد تصویب قرار گرفت. در عکس بالا، تصویر یک نقش زینتی دیواری در دانشگاه کنیای نایروبی دیده می‌شود که بوسیله دانشجویان بخش هنرهای تجسمی ساخته شده است. این ترکیب، با آمیختن کهنه و نو بیان تمثیلی لحظاتی است که نیاز به برقراری فوری تعاملی جدید را در سراسر جهان یادآور می‌شوند.